



The Identification of the Challenges and Developmental Tasks of Middle and Old age People: A Hermeneutic Study

Maryam Falahatpishe Baboli¹ , Fereshte Moutabi^{1*} , Mohammadalai Mazaheri Tehrani² , Leili Panaghi¹  and Mahmood Heydari² 

¹ Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, I.R. Iran

² Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, I.R. Iran

Article Info

Article History

Received: 06.04.2021

Accepted: 27.10.2021

ePublished: 05.011. 2021

Keywords

Challenge, developmental tasks, middle-aged, aged, lived experiences

How to cite this article

Falahatpishe Baboli, M., Moutabi, F., Mazaheri Tehrani, M. A., Panaghi, L., & Heydari, M. (2021). The Identification of the challenges and developmental tasks of middle and old age people: a hermeneutic study. *Aging Psychology*, 7(3), 247-267.

*Corresponding Author

Fereshte Moutabi

Email

fmoutabi@gmail.com



© The Author(s)

Publisher: Razi University

Abstract

Middle and old age are two of the most important periods in human life, and people in this period face some physical, sexual and mental disabilities. Due to the increasing population of the middle and old age people in Iran, paying attention to this important period seems necessary. Therefore, the present study was to identify the lived experiences of middle and old age married people. To this end, 16 participants (based on the principle of data saturation) were selected by purposive sampling method among the middle and old age people living in Tehran. Participants were interviewed using semi-structured in-depth interviews to identify their lived experiences. Finally, the interviews were analyzed using the Van Mannen method (interpretive phenomenological approach). Findings were divided into two categories: "challenges" and "developmental tasks". The main themes in the challenges section were "concerns about family's future", "spouse relationship", "individual challenges", and "taking new roles by spouses". The main themes obtained in developmental tasks included "developmental tasks focused on children", and "developmental tasks focused on couples". As a result, it can be concluded that the challenges and developmental tasks middle and old age people facing appear to be more focused on family and relationship. Applying the results of the present study, experts can design educational packages based on the challenges and developmental tasks these people facing in their lives, in order to increase the quality of life in middle and old age people. Besides, therapists working in the field of the elderly can take advantages of the findings of the present study to lead the process of therapeutic sessions.



شناسایی چالش‌ها و تکالیف تحولی افراد میانسال و سالمند: یک مطالعه هرمنوتیک

مریم فلاحیت پیشه بابلی^۱، فرشته موتابی^{۱*}، محمدعلی مظاهری تهرانی^۲، لیلی پناغی^۱ و محمود حیدری^۲

^۱ پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

^۲ گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

دوران میانسالی و سالمندی، از مهم‌ترین دوره‌ها در زندگی انسان‌ها به شمار می‌روند و افراد در این دوران با برخی از ناتوانی‌های جسمانی، جنسی و روانی مواجه می‌شوند. توجه به این دوران مهم، به علت افزایش جمعیت سالخورده در ایران، امری ضروری به شمار می‌رود. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف شناسایی تجارب زیسته افراد متأهلی که دوران میانسالی و سالمندی خود را سپری می‌کردند انجام شد. بدین منظور، ۱۶ شرکت‌کننده (بر اساس اصل اشباع داده‌ها) با روش نمونه‌گیری هدفمند، از میان افراد سالمند و میانسال شهر تهران انتخاب شدند و با آنها مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته انجام شد تا تجارب زیسته آنها شناسایی شود. در نهایت مصاحبه‌ها با روش ون‌منن (رویکرد پدیدارشناسی تفسیری) مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها به دو دسته «چالش‌ها» و «تکالیف تحولی» دسته‌بندی شدند. مضامین اصلی در بخش چالش‌ها شامل «دغدغه آینده خانواده»، «رابطه همسران»، «چالش‌های فردی»، و «اتخاذ نقش‌های جدید توسط همسران» بود. مضامین اصلی به دست آمده در تکالیف تحولی نیز شامل «تکالیف تحولی معطوف به فرزندان»، و «تکالیف تحولی معطوف به زوج» بود. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که چالش‌ها و تکالیف تحولی‌ای که افراد میانسال و سالمند با آنها مواجه هستند، بیشتر معطوف به خانواده و روابط است. متخصصان با استفاده از نتایج پژوهش حاضر و به منظور افزایش کیفیت زندگی افراد میانسال و سالمند، می‌توانند بسته‌های آموزشی‌ای را بر مبنای چالش‌ها و تکالیف تحولی زندگی این افراد طراحی نمایند. همچنین درمانگرانی که در حوزه سالمندان فعالیت می‌کنند، می‌توانند از یافته‌های پژوهش حاضر در جهت پیشبرد جلسات درمانی بهره ببرند.

اطلاعات مقاله

سابقه مقاله

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۴

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۶

چاپ الکترونیکی: ۱۴۰۰/۰۸/۱۴

کلیدواژه‌ها

چالش، تکالیف تحولی، میانسال، سالمند، تجارب زیسته

نحوه ارجاع به مقاله

فلاحیت پیشه بابلی، م.، موتابی، ف.، مظاهری تهرانی، م. ع.، پناغی، ل. و حیدری، م. (۱۴۰۰). شناسایی چالش‌ها و تکالیف تحولی افراد میانسال و سالمند: یک مطالعه هرمنوتیک. *روان‌شناسی پیری*، ۷(۳)، ۲۶۷-۲۴۷.

* نویسنده مسئول

فرشته موتابی

پست الکترونیکی

fmoortabi@gmail.com

زندگی و رسیدن به یکپارچگی^۳ می‌شوند. آمارها حاکی از آن است که جمعیت ایران در حال گذار از جوانی به سمت میانسالی و پیری است. پیر شدن جمعیت به معنای ازدیاد تدریجی سالمندان و کاهش نسبی کودکان و افراد بزرگسال جوان است (حجتی و همکاران، ۱۳۹۱). بررسی‌ها حاکی از آن است که جمعیت سال‌خورده ایران به احتمال زیاد تا سال ۲۰۵۰ حدوداً پنج برابر خواهد شد که رقم زیاد و قابل توجهی به شمار می‌رود (صادقو، ۲۰۰۹).

پژوهش‌های مختلفی روی دوران سالمندی و میانسالی در دنیا انجام شده است که نشان می‌دهد افراد میانسال و سالمند با چالش‌ها و مسائل مختلفی دست به گریبان هستند. طبق این پژوهش‌ها میزان شیوع علائم افسردگی در بین افراد میانسال و سالمندی که سندرم آشیانه خالی را تجربه می‌کنند، بیشتر از افرادی است که این سندرم را تجربه نمی‌کنند یا در این دوران به سر نمی‌برند (هونگ و همکاران، ۲۰۲۰؛ هونگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ پپ، ۲۰۱۸). همچنین نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که افراد میانسال و سالمند، نسبت به افرادی که در این دوران به سر نمی‌برند، میزان بالاتری از اضطراب را تجربه می‌کنند (ونگ و همکاران، ۲۰۱۳؛ ونگ و همکاران، ۲۰۲۰). در واقع، پژوهش‌هایی که در خارج از ایران انجام شده‌اند، به طور کلی به افزایش استرس‌ها در دوران آشیانه خالی و سالمندی اشاره کرده‌اند (بوگی و همکاران، ۲۰۱۹). اما نکته قابل توجه این است که در پژوهش‌های انجام شده در فرهنگ‌های فردگرا، استرس‌ها و نگرانی‌هایی که والدین در دوران آشیانه خالی و سالمندی تجربه می‌کنند، بیشتر معطوف به «خود» و «رابطه زوجی» است (دهل و دهل، ۲۰۱۳؛ اریکسون و همکاران، ۲۰۱۰). اما به نظر می‌رسد که در فرهنگ‌هایی که به سمت جمع‌گرایی سوق پیدا می‌کنند، نگرانی‌های والدین بیشتر معطوف به فرزندان و آینده آنان است. به عنوان مثال، پژوهش هسیانو (۲۰۱۷) در تایوان نشان داد که والدین میانسال همواره نگران مسائل تحصیلی و شغلی فرزندان در دوران جوانی هستند و آنها را در این امر حمایت می‌کنند. همچنین از نظر ونگ (۲۰۰۲) با توجه به فلسفه سنتی تحصیل که در این جمله خلاصه می‌شود که «دانشمند شدن منجر به اخذ بالاترین سطح اجتماعی می‌شود»، والدین تایوانی بیشترین استرس خود را در دوره میانسالی تجربه می‌کنند، و این استرس

استقلال فرزندان از خانواده، با خروج از خانه به دلایلی همچون تحصیل، کار، ازدواج و یا مهاجرت آغاز می‌شود (ابراهیمی قیه قشلاق و همکاران، ۱۳۹۸). این دوره که والدین وارد میانسالی یا سالمندی شده‌اند، می‌تواند در کشورهای مختلف به شکل کوتاه‌تر یا طولانی‌تری سپری شود و ممکن است که سریع‌تر یا دیرتر شروع شود. در واقع، پدیده سالخوردگی جمعیت، مسأله‌ای است که بعضی از جوامع تا کنون با آن روبرو شده‌اند و باقی نیز در آینده‌ای نه چندان دور با آن روبرو خواهند شد (باقری نسامی و همکاران، ۱۳۹۲). به نظر می‌رسد که میانسالی و سالمندی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی انسان‌ها به شمار می‌روند که در آنها با کاهش تدریجی قوای جسمانی و روانی افراد مواجه هستیم (واحدی کوچنق و همکاران، ۱۳۹۹). در این دوران، پس از ترک خانه توسط فرزندان، زن و شوهر در صدد این امر بر می‌آیند که به زندگی و روابط خود معنایی دوباره بدهند (عسکری و همکاران، ۱۳۹۷). یکی از پیامدهای دوران میانسالی که تحت عنوان مرحله روانه کردن فرزندان شناخته می‌شود، سندرم آشیانه خالی است. آشیانه خالی^۱ به دورانی اطلاق می‌شود که فرزندان رشد می‌کنند اما دیگر در خانه پدری ساکن نیستند. «سندرم آشیانه خالی» نیز به احساس تنهایی و غم فراگیری اطلاق می‌شود که ممکن است والدین در هنگام ترک منزل توسط فرزندان، تجربه کنند (لی و همکاران، ۲۰۲۱). از تکالیف مربوط به این دوران، می‌توان به مذاکرات مجدد در سیستم زناشویی، رشد روابط بزرگسال با بزرگسال (بین فرزند بالغ با والدین)، ساختاردهی مجدد روابط به گونه‌ای که نوه‌ها را نیز شامل شود، مواجهه با ناتوانی‌ها و مرگ والدین و پدر/مادربزرگ‌ها اشاره کرد (کارتر و مک گلدریک، ۱۹۸۸).

افراد پس از گذراندن دوران میانسالی، وارد دوره سالمندی می‌شوند. به گزارش سازمان جهانی بهداشت، سالمندی عبور از مرز سن شصت سالگی است (حجتی و همکاران، ۱۳۹۱). به گفته کارتر و مک گلدریک (۱۹۸۸)، افراد سالمند به جستجو برای نقش‌های خانوادگی و اجتماعی جدید پرداخته و حمایت از نسل‌های میانی^۲ را در جهت به عهده گرفتن نقش‌های هسته‌ای‌تر نظیر مادر/پدربزرگ و مادر/پدر همسر آغاز می‌کنند. این افراد همچنین مشغول آماده شدن برای مرگ خویش، مرور

¹ empty nest

² middle generation

³ integration

احتمال طلاق پس از خروج فرزندان از منزل (هایدمن و همکاران، ۱۹۹۸) اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال، پژوهشی که به وسیله مصاحبه تلفنی با افراد بالای ۶۵ سال انجام شد، حاکی از افزایش استرس‌ها به شکل کلی، و افزایش استرس‌های مربوط به روابط بین فردی (نظیر مشاجره با همسر) بود (هاهن و همکاران، ۲۰۱۴). در واقع طبق پژوهش‌هایی از این دست، خروج فرزندان از منزل می‌تواند منجر به بروز احساسات منفی در دوران آشیانه خالی شود (بوچارد، ۲۰۱۴؛ شریف و ویترا، ۲۰۰۹) که این احساسات می‌تواند بر کیفیت رابطه زوجی تأثیر بگذراند. ونلانینگهام و همکاران (۲۰۰۱) نیز دریافتند که کاهش منحنی‌وار شادکامی زناشویی با افزایش سن ازدواج رابطه دارد. یافته‌های آنان نشان داد شادکامی زناشویی به شکل واضحی در طول چرخه زندگی خانوادگی کاهش می‌یابد.

در تایوان، چین و کشورهای مشابه نیز یافته‌های جالبی به دست آمد. بدین صورت که بی (۱۹۹۱) نشان داد که رضایت زناشویی در طول عبور از مراحل چرخه زندگی خانواده، به شکل خطی کاهش می‌یابد. طبق پژوهش وی، زوجینی که به تازگی ازدواج کرده بودند بیشترین رضایت زناشویی را گزارش می‌کردند و این در حالی بود که زوجین مسن‌تر که فرزندان بالای ۳۰ سال داشتند، پایین‌ترین میزان رضایت زناشویی را دارا بودند. شن و چن (۲۰۰۴) نیز دریافتند که رضایت زناشویی در خانواده‌های چینی به سرعت در دوران میانسالی کاهش می‌یابد، مخصوصاً در خانواده‌هایی که فرزندان بزرگسال همچنان در خانه حضور دارند و منزل را ترک نکرده‌اند. همچنین در پژوهش هسیائو (۲۰۱۷) که بر روی زوجین میانسال تایوانی انجام شد، مشخص شد که رضایت زناشویی در تایوان (برخلاف کشورهای فردگرا نظیر آمریکا) به شکل یک U برعکس یا وارونه عمل می‌کند. بدین صورت که بالاترین میزان رضایت زناشویی در طول چرخه زندگی خانواده، زمانی است که فرزندان بین پایه‌های نهم تا دوازدهم مدرسه قرار دارند، و زمانی که فرزندان به سن کالج می‌رسند رضایت زناشویی کاهش می‌یابد.

در ایران نیز پژوهش‌های مختلفی در مورد مسائل مربوط به دوران میانسالی و سالمندی انجام شده است. برخی از پژوهش‌ها تمرکز خود را بر روی چالش‌ها و مشکلات اجتماعی، جسمانی، و روانی مربوط به دوران میانسالی و سالمندی متمرکز کرده‌اند. به عنوان مثال،

مربوط به فرزندان‌شان است که دوران اوایل جوانی قرار دارند. در واقع به گفته ونگ، بیشترین چالشی که والدین تجربه می‌کنند مربوط به تحصیلات خوب و پیدا کردن شغل مناسب برای فرزندان‌شان است. به علاوه، یافته‌های متعددی نشان می‌دهند که در دوران میانسالی و سالمندی، احساس تنهایی در اوج خود قرار دارد و افراد آن را به عنوان یک احساس غالب در دوران شروع آشیانه خالی و پس از آن گزارش می‌دهند (وو و همکاران، ۲۰۱۰؛ ونگ و همکاران، ۲۰۱۷؛ هوونگ و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که در دوران میانسالی و سالمندی، با افزایش میزان افکار و عمل خودکشی در افراد مواجه هستیم (برای مثال لی و همکاران، ۲۰۰۹).

به علاوه، آشیانه خالی بر میزان کیفیت رابطه زناشویی و رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارد. شواهد موجود در مورد چالش‌های رابطه زوجی در دوران میانسالی، ترکیبی متفاوت از انواع یافته‌ها است و متأسفانه اکثر آنها تنها بر اساس ارزیابی‌هایی است که از زنان انجام گرفته است (پپ، ۲۰۱۸). در برخی از مطالعات، دوران میانسالی و سالمندی با کیفیت بالاتر رابطه زناشویی (گورچوف و همکاران، ۲۰۰۸)، و نرخ پایین‌تر تعارض (مک کی و اوبرین، ۱۹۹۹) همراه است. این پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که افرادی که مدتی است در دوره آشیانه خالی قرار دارند، کمتر از زوجینی که فرزندان آنها همچنان در منزل هستند با یکدیگر مشاجره می‌کنند یا اختلاف نظر دارند (پپ، ۲۰۱۸؛ گورچوف و همکاران، ۲۰۰۸). در واقع یافته‌های زیادی نشان داده‌اند که حضور فرزندان در منزل، تأثیرات منفی بسیاری بر کیفیت رابطه زوجی والدین می‌گذارد (ژنگ، ۲۰۲۰). پژوهش‌های پیشین که بر روی مراحل چرخه زندگی خانوادگی انجام شده‌اند نیز نشان می‌دهند که رضایت زناشویی در طول چرخه زندگی خانوادگی، از یک الگوی U شکل پیروی می‌کند (گلن، ۱۹۹۱). رضایت زناشویی در دوران مراقبت از فرزندان کاهش می‌یابد و مجدداً در دوران آشیانه خالی افزایش می‌یابد. وایتمن و همکاران (۲۰۰۷) دریافتند که رضایت زناشویی تا سال‌های چهاردهم تا هیجدهم ازدواج تدریجاً کاهش می‌یابد، و پس از آن به شکل تدریجی در سال‌ها هجدهم تا بیستم ازدواج، رو به افزایش می‌گذارد؛ و این در واقع همان زمانی است که فرزندان خانه را ترک کرده‌اند. این در حالی است که پژوهش‌های دیگر، به بالا رفتن

آنکه، همانگونه که اشاره شد، در بسیاری از یافته‌های پژوهشی مربوط به دوران میانسالی و سالمندی، تناقض وجود دارد. به عنوان مثال، برخی از پژوهش‌ها، کیفیت رابطه عاطفی و جنسی در دوران میانسالی و سالمندی را بالاتر از مراحل پیشین ارزیابی کردند (ژنگ، ۲۰۲۰) و در عین حال، برخی دیگر از یافته‌ها، به کاهش کیفیت رابطه جنسی و عاطفی زوجین در این دوران پرداختند (بوچارد، ۲۰۱۴). همچنین، برخی از مطالعات حاکی از آن است که دغدغه و نگرانی والدین میانسال و سالمند، بر روی خود و رابطه با همسر متمرکز بوده (دهل و دهل، ۲۰۱۳) و برخی دیگر دریافتند والدین در دوران آشیانه خالی (میانسالی و سالمندی)، همچنان بر فرزندان و دغدغه‌های آنها متمرکز هستند (هسیانو، ۲۰۱۷). به علاوه، برخی از پژوهش‌ها به تحکیم روابط زوجی در این دوران اشاره کردند (وایتمن و همکاران، ۲۰۰۷) و در مقابل، پژوهش‌های دیگر اذعان داشتند که آمار طلاق در این دوران و با خروج فرزندان از منزل افزایش می‌یابد (هاهمن و همکاران، ۲۰۱۴).

بنابراین با توجه به تناقضات موجود در زمینه یافته‌های پژوهشی که به نظر می‌رسد عامل فرهنگ نیز نقشی عمده در نوع یافته‌ها ایجاد می‌کند، انجام پژوهشی در زمینه شناسایی تجارب زیسته افراد در دوران میانسالی و سالمندی، در فرهنگ ایران، امری ضروری به نظر می‌رسد. دوم آنکه، با وجود انجام پژوهش‌هایی کیفی در زمینه بررسی مسائل مختلف در دوران میانسالی و سالمندی (نظیر پژوهش پارسا و همکاران، ۱۳۹۶)، هیچ پژوهش کیفی که فقط به شناسایی چالش‌ها و تکالیف تحولی افراد میانسال و سالمند پرداخته باشد وجود نداشته و این موضوع، یک خلأ پژوهشی است که اجرای مطالعه‌ای در این زمینه را ضروری می‌سازد. پژوهش در زمینه چالش‌ها و تکالیف تحولی تجربه شده توسط افراد میانسال و سالمند، متخصصان را در جهت پیشگیری از مشکلات، ارتقای آموزش، و درمان این قشر آسیب‌پذیر جامعه هدایت خواهد کرد. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف شناسایی تجارب زیسته افراد از چالش‌ها و تکالیف تحولی در دوران میانسالی و سالمندی انجام شد تا به سؤالات زیر پاسخ دهد که (۱) تجربه زیسته افراد از چالش‌های مربوط به دوران میانسالی و سالمندی چیست؟ و (۲) تجربه زیسته افراد از تکالیف تحولی مربوط به دوران میانسالی و سالمندی چیست؟

روحانی و همکاران (۱۳۹۸) دریافتند سالمندانی که نیاز به فرد مراقبت‌کننده دارند، همسر آنها در قید حیات نیست، و یا تحت درمان افسردگی هستند، میزان بالاتری از سوء رفتار خانگی را تجربه می‌کنند. طبق نتایج پژوهش دل‌پیشه و همکاران (۱۳۹۳)، سالمندان مورد مطالعه، سابقه ابتلا به بیماری‌های قلبی، دیابت، مشکلات تنفسی، سابقه جراحی، درد مفاصل، سابقه درد اسکلتی، و سابقه سکته مغزی را گزارش کردند. همچنین، این افراد، مشکلاتی در شناخت زمان، شناخت مکان، شناخت اشخاص، و لرزش دست را گزارش نمودند. نتایج مطالعه پارسا و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که سالمندان مشکلاتی را در حوزه اقدامات درمانی تجربه می‌کنند. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه درون‌مایه اصلی به عنوان چالش‌های مصرف دارو در سالمندان شد که شامل علل مربوط به پزشکان (نظیر هزینه معاینه، بی‌اعتمادی به پزشکان، اهمیت ندادن پزشکان به سالمندان)، مشکلات مصرف دارو (نظیر عوارض داروها، زود تمام شدن داروها، اثربخشی داروها، متعدد بودن داروها) و کمبود داروها (نبود داروهای جایگزین، استفاده از داروهای دیگران، نبود داروها در برخی از داروخانه‌ها و تحویل داروهای تاریخ گذشته) بود. پژوهش کلدی و همکاران (۱۳۸۳) بر روی مسائل و مشکلات جسمانی، اجتماعی، و روانی سالمندان نشان داد که ۵۵ درصد از پاسخگویان دارای مشکلات اقتصادی بوده، ۲۵/۶ درصد از آنها مشکلاتی در زمینه فعالیت روزانه را گزارش کرده، ۲۱ درصد از شرایط جاری زندگی اظهار نارضایتی کرده، ۲۷/۳ درصد بیمه نبوده، و ۲۴ درصد از آنها دارای نوعی مشکل روانی بودند. همچنین بیشتر سالمندان مبتلا به یک تا چند بیماری زمینه‌ای هستند که منجر به تغییراتی در آنها شده و زمینه‌های کاهش عزت نفس، افزایش اختلال در عملکرد، و آشفتگی ذهنی را فراهم می‌آورد (افشاری و هاشمی، ۱۳۹۸).

در نهایت می‌توان گفت که با توجه به اهمیت بالای مرحله‌ی نظیر میانسالی و سالمندی در چرخه زندگی خانوادگی، و پیشروی جمعیت ایران و دنیا به سمت سالم‌خوردگی، بررسی هر چه بیشتر مراحل میانسالی و سالمندی از اهمیت بالایی برخوردار بوده و بنابراین، پژوهش‌های متعددی در ایران و دنیا بر روی ویژگی‌های این دوران انجام شده است. با توجه به پژوهش‌های متعدد در این زمینه، ضرورت انجام مطالعه حاضر چیست؟ اول

روش

طرح پژوهش و شرکت‌کنندگان

از میان رویکردهای مختلف کیفی، رویکرد پدیدارشناسی تفسیری، پژوهش حاضر را هدایت کرد تا تجربه زیسته افرادی که در حال تجربه کردن دوران میانسالی و سالمندی بودند شناسایی شود. مطابق رویکرد پدیدارشناسی، افراد به شکل فعالی دنیایی خویش را خلق می‌کنند و نسبت به تجارب و ارتباطات روزانه خود، آگاه هستند. به عبارت دیگر دنیا فقط از طریق آگاهی تجربه می‌شود، یعنی دنیای عینی از طریق آگاهی واقعیت پیدا می‌کند. به منظور درک و فهم جوهر یا ساختار یک تجربه، پژوهشگران تجارب زیسته شده و دست اول افراد مختلف درباره یک پدیده را در کنار هم می‌گذارند و طبقه‌بندی می‌کنند، در واقع پژوهشگران با آگاهی بیشتر امکان رسیدن به بینش یا درک جوهره یک پدیده را پیدا می‌کنند (تافر و نیومن، ۲۰۱۲). پدیدارشناسی تفسیری به دنبال توصیف و تفسیر پدیده مورد مطالعه یا تجارب شرکت‌کنندگان است. در واقع، پدیدارشناسی تفسیری، راهی برای درک بیشتر پدیده را فراهم ساخته و علاوه بر دیدگاه خود پژوهشگر درباره دنیا، ماهیت تعامل بین پژوهشگر و شرکت‌کننده را نیز در بر می‌گیرد (ویلیگ، ۲۰۰۷). در این پژوهش، برای ظهور کامل مضامین یا درون‌مایه‌های موجود در داده‌ها از شیوه تحلیل مضمون^۱ که توسط ون‌منن معرفی شده استفاده گردید. ون‌منن شامل مراحل مقابل است (ون‌منن، ۲۰۱۷). ۱- روی آوردن به پدیده‌ای که ما را شدیداً به خود علاقمند ساخته و به کشف جهان مورد نظر متعهد می‌سازد؛ ۲- مطالعه پدیده به همان شکل که زیسته شده نه آن‌گونه که ما تصور می‌کنیم. در واقع نیاز است تا از مفهوم‌پردازی داده‌ها اجتناب شود؛ ۳- تأمل در مضامین اساسی‌ای که ویژگی پدیده هستند؛ ۴- توصیف پدیده از طریق هنر نوشتن و بازنویسی؛ ۵- حفظ یک ارتباط قوی و جهت‌دار با پدیده؛ ۶- برقرار کردن تعادل در بافت پژوهش به وسیله تفکر در مورد اجزا و کل. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی زنان و مردان میانسال و سالمند متأهل ساکن مرکز شهر تهران بود. گروه نمونه پژوهش نیز با روش نمونه‌گیری هدفمند، و از بین شرکت‌کنندگان پژوهش اصلی تحت عنوان شناسایی «تکالیف تحولی و مراحل چرخه زندگی

خانواده» انتخاب شدند. در واقع گروه نمونه شامل زنان و مردان ساکن شهر تهران بود که ملاک‌های ورود را دارا بوده و شامل ملاک‌های خروج نمی‌شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل این موارد بود که ۱) افراد در ازدواج اول خود به سر ببرند و همسر آنها در حال حاضر در قید حیات باشد، ۲) افرادی که در پژوهش اصلی، در یکی از مراحل پنجم یا ششم چرخه زندگی خانواده مک‌گلدریک و کارتر (۱۹۸۲) قرار داشته باشند که این ملاک با دارا بودن حداقل یک فرزند ۱۸ سال به بالا، و سن بالای ۴۵ سال در شرکت‌کنندگان مشخص شد، ۳) افراد (آقایان)، در زمان پژوهش، دارای یک همسر باشند، ۴) بنا بر اظهار خود شرکت‌کنندگان، تشخیصی مبنی بر دارا بودن اختلالات روان‌شناختی را از متخصصان دریافت نکرده باشند، و ۵) افراد دارای سواد خواندن و نوشتن باشند. همچنین ملاک‌های خروج از پژوهش شامل دارا بودن اختلالات شناختی نظیر دمانس یا دلیریوم، و یا عوارض جسمانی و شناختی ناشی از سکته مغزی بود. حجم نمونه نیز بر اساس اصل اشباع داده‌ها تعیین شد و مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافت که داده جدیدی حاصل نشود. بنابراین، در نهایت شانزده شرکت‌کننده به سؤالات مصاحبه پاسخ دادند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، میانگین حسابی سن شرکت‌کنندگان حدود ۶۳ سال بود. ۵۶/۲۵ درصد (۹ نفر) از شرکت‌کنندگان، مرد بوده و ۴۳/۷۵ درصد آنها (۷ نفر) زن بودند. ۱۲/۵ درصد فوق لیسانس، ۳۷/۵ درصد لیسانس، ۲۵ درصد دیپلم، و ۲۵ درصد دارای تحصیلات زیر دیپلم بودند. ۲۵ درصد از شرکت‌کنندگان، هیچ فرزند بزرگسال متأهلی نداشتند (تمامی فرزندان بزرگسال، مجرد بودند)، ۴۳/۷۵ درصد از آنها دارای حداقل یک فرزند بزرگسال متأهل بودند اما نوه‌ای نداشتند، و نهایتاً ۳۱/۲۵ درصد از شرکت‌کنندگان، دارای حداقل یک نوه بودند. اطلاعات تکمیلی شرکت‌کنندگان در جدول ۱ آمده است.

ابزار

در پژوهش‌های کیفی، صحبت‌های دست اول یا داستان تجارب زیسته شده شرکت‌کنندگان مقدم بر سایر فنون درک پدیده محسوب می‌شود. در پژوهش حاضر از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته آبرای دستیابی به تجارب زیسته شرکت‌کنندگان استفاده شد تا مصاحبه‌شوندگان بتوانند تجارب خود در ارتباط با پدیده فرار از خانه را در

² semi-structured interviews

¹ thematic analysis

جدول ۱

اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان

فرد	سن	جنس	مرحله	تحصیلات فرد	تحصیلات همسر	تعداد فرزند
۱	۴۰	مرد	دارای فرزند بزرگسال مجرد (بالای ۱۸ سال)	زیر دیپلم	زیر دیپلم	۴
۲	۶۲	مرد	دارای فرزند بزرگسال مجرد (بالای ۱۸ سال)	دیپلم	زیر دیپلم	۳
۳	۵۴	زن	دارای فرزند بزرگسال مجرد (بالای ۱۸ سال)	دیپلم	دیپلم	۳
۴	۵۶	زن	دارای فرزند بزرگسال مجرد (بالای ۱۸ سال)	لیسانس	فوق لیسانس	۱
۵	۴۲	مرد	دارای فرزند متأهل بزرگسال بدون نوه	دیپلم	دیپلم	۲
۶	۵۸	مرد	دارای فرزند متأهل بزرگسال بدون نوه	دیپلم	دیپلم	۳
۷	۶۵	مرد	دارای فرزند متأهل بزرگسال بدون نوه	فوق دیپلم	لیسانس	۴
۸	۶۳	زن	دارای فرزند متأهل بزرگسال بدون نوه	لیسانس	لیسانس	۲
۹	۵۶	زن	دارای فرزند متأهل بزرگسال بدون نوه	لیسانس	لیسانس	۱
۱۰	۶۵	زن	دارای فرزند متأهل بزرگسال بدون نوه	لیسانس	فوق لیسانس	۲
۱۱	۶۴	زن	دارای فرزند متأهل بزرگسال بدون نوه	فوق لیسانس	فوق لیسانس	۱
۱۲	۶۰	مرد	دارای نوه	زیر دیپلم	فوق لیسانس	۳
۱۳	۶۳	مرد	دارای نوه	لیسانس	دیپلم	۵
۱۴	۶۹	مرد	دارای نوه	لیسانس	لیسانس	۳
۱۵	۶۵	مرد	دارای نوه	فوق لیسانس	فوق لیسانس	۱
۱۶	۷۸	زن	دارای نوه	دیپلم	لیسانس	۲

به شکل کاغذی در مکان‌های عمومی نظیر پارک‌ها، کتابخانه‌ها، سرای محله‌ها، و غیره منتشر شد.

۲- آن دسته از افرادی که جهت همکاری با پژوهشگر تماس حاصل کردند، از شرایط اجرای پژوهش مطلع شده، و ملاک‌های ورود آنها به پژوهش بررسی شد. سپس با آنها قرار ملاقاتی در یکی از کلینیک‌های دانشگاه شهید بهشتی گذاشته شد.

۳- در روز مصاحبه حضوری، اهداف پژوهش برای هر یک افراد بازگو شد. سپس فرم رضایت نامه‌ای به ایشان ارائه شد تا رضایت خود را مبنی بر ضبط جلسات و استفاده از اطلاعات مصاحبه در پژوهش، اعلام نمایند. نهایتاً هر فرد، به شکل جداگانه مورد مصاحبه قرار گرفت. مصاحبه‌ها با سؤالات بازپاسخ، به صورت رو در رو، و در مورد تکالیف تحولی و چالش‌های تجربه شده در دوره میانسالی یا سالمندی انجام شد و مصاحبه با دستگاه ضبط صوت، ضبط شد. میانگین زمان مصاحبه‌ها، حدود ۶۵ دقیقه بود.

۴- هر مصاحبه، پس از ضبط شدن، توسط پژوهشگر بر روی کاغذ پیاده‌سازی شد و پس از پیاده‌سازی، مصاحبه‌ها چندین بار توسط پژوهشگر مرور شدند و بر جملاتی که دارای بار معنایی بودند مشخص شده و بر

اختیار مصاحبه‌کننده قرار دهند. مصاحبه‌ها با سؤالات باز پاسخ^۱ شروع شد. این گفتگوها بر اساس صحبت‌های شرکت‌کنندگان به شکل هدفمند پیش رفت و به دستیابی به عمق تجارب شرکت‌کنندگان منجر شد. شیوه مصاحبه به صورت فردی بود تا مشارکت‌کننده در کمال آرامش و محرمانگی تجارب خود را بازگو نماید. مصاحبه‌ها با رضایت شرکت‌کنندگان با یک دستگاه ضبط صوت، ضبط شده و برای تحلیل کیفی آماده شد.

روش اجرا

به منظور اجرای پژوهش، مراحل زیر انجام شد.

۱- در ابتدا آگهی‌هایی چاپ شد و از زنان و مردان متأهل که ملاک‌های ورود را دارا بودند درخواست شد تا در پژوهشی که در کلینیک خانواده و کودک دانشگاه شهید بهشتی در حال اجرا است، به صورت داوطلبانه همکاری نمایند. از آنجا که کلینیک فوق مربوط به پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی می‌باشد، این مکان برای اجرای مطالعات پژوهشی، در اختیار دانشجویان پژوهشکده خانواده قرار می‌گیرد. آگهی فوق به شکل اینترنتی در سایت‌های معتبر و کانال‌های مختلف در فضای مجازی، و

1 open-ended questions

اظهار داشتند که چالش‌های فوق، یکی از عواملی بود که موجب می‌شد تا آنها، این مراحل را به شکل متفاوتی نسبت به مراحل قبلی تجربه کنند. در پی تحلیل مصاحبه‌ها، چهار مضمون کلی تحت عنوان چالش‌های مربوط به «دغدغه آینده خانواده»، چالش‌های مربوط به «اتخاذ نقش‌های جدید توسط همسران»، چالش‌های «فردی»، و چالش‌های مربوط به «رابطه همسران» استخراج شد (شکل شماره ۱)، که به هر کدام از آنها در ادامه اشاره خواهد شد. لازم به ذکر است که به علت حفظ اطلاعات محرمانه شرکت‌کنندگان، برای اشاره به آنها از شماره استفاده شد. به عنوان مثال: شرکت‌کننده یک.

۱-۱-۱- مضمون اصلی: دغدغه آینده خانواده.

یکی از چالش‌هایی که افراد در مصاحبه‌های انجام شده به آن اشاره کردند، دغدغه آینده خانواده بود. مضمون اصلی فوق، دو زیرمضمون دغدغه آینده فرزندان، و مشکلات مالی را در بر می‌گرفت که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

۱-۱-۱- مضمون فرعی: دغدغه آینده فرزندان.

یکی از چالش‌های مهم که افراد در دوران میانسالی و سالمندی با آن روبرو بودند، آینده فرزندان بود. افراد به چالش‌هایی نظیر نگرانی بابت آینده شغلی فرزندان، ازدواج مناسب آنها، و سربازی پسران خانواده اشاره نمودند. به عنوان مثال، شرکت‌کننده شماره ۳ اظهار داشت:

«البته واقعاً به استرس زیادی هم که همیشه داشتیم سر این بود که بچه‌ها برن سرکار. واقعاً اذیت شدیم تا این هر کدام به کار ثابت پیدا کردن و مشغول شدن...»
شرکت‌کننده شماره ۱۰ نیز معتقد بود: «من بیشترین نگرانی من سر بچه‌هامه که مشکلات مالی دارن. پسرم بیکاره و نگرانم چطوری می‌خواد دو روز دیگه گلیم خودشو از آب بکشه بیرون...» و شرکت‌کننده شماره ۱۴: «فقط این وضعیت بیکاری بچه‌ها تو مملکت برای ما زجرآور شده. پسرم استاد زبانه اما کار ثابت نداره.»

از دیگر چالش‌هایی که در دغدغه آینده فرزندان مورد توجه شرکت‌کنندگان بود، ازدواج مناسب فرزندان مجرد بود. به عنوان مثال شرکت‌کننده شماره ۴ معتقد بود: «ولی نگرانم که نکنه آدم خوبی پیدا نکنه و سنش بره بالا و مجرد بمونه...» شرکت‌کننده شماره ۵ نیز گفت: «هی به خودم میگم کاش اینم سر و سامون بگیره ما به نفس راحت بکشیم. یه آدم خوب پیدا کنه...» شرکت‌کننده شماره ۱۶: «...یکی دیگه‌ام هم اینه که دخترم ازدواج نکرده

اساس مفهوم خود، نامگذاری شدند. این مفاهیم به قدری مرور شدند تا جملات و مفاهیم مشابه، در دسته‌های مجزا تحت عنوان مضامین اصلی قرار بگیرند. مضامین اصلی حاصل در هر مصاحبه، توسط پژوهشگر بررسی شده و روند بررسی و ویرایش آنها تا زمانی ادامه یافت که همگی به یک نظر واحد رسیدند. مصاحبه‌ها نیز تا زمانی ادامه یافت که برای هر مرحله، مضمون جدیدی حاصل نشد و داده‌ها به اشباع رسیدند.

۵- در مرحله بعد، به منظور بررسی قابلیت اعتماد و اعتبار داده‌های حاصل از مصاحبه کیفی، روش‌های چک کردن با شرکت‌کنندگان، و مرور توسط همکاران، به کار گرفته شد. در بخش چک کردن با شرکت‌کنندگان، دو روش مجزا استفاده شد. اولین روش در حین مصاحبه گرفتن اجرا شد و پژوهشگر، دائماً در حال پرسیدن سؤالات روشن‌گر و عمیق از مصاحبه شونده بود و برداشت خود را از پاسخ مصاحبه شونده، به وی بازخورد می‌داد. در روش دیگر، پس از اجرای مصاحبه‌ها و تحلیل مضمون آنها، برخی از مصاحبه شونده‌ها، مجدداً فراخوانی شدند و تم‌های به دست آمده از تحلیل مصاحبه، با آنها چک شد. چنانچه نظر شرکت‌کنندگان، با نتایج تحلیل، مغایر بود، نتایج مورد بازنگری قرار می‌گرفت و تحلیل‌های کیفی اصلاح می‌شدند. همچنین به منظور رعایت مرور توسط همکاران، مصاحبه‌ها پس از تحلیل، توسط دو متخصص در زمینه تحلیل مصاحبه کیفی، مجدداً کدگذاری شدند و میزان شباهت و همپوشانی نتایج تحلیل تماتیک پژوهشگران و افراد متخصص با یکدیگر مقایسه شد. در نهایت، تعدادی مضمون اصلی یا تم به دست آمد که نمایانگر تکالیف تحولی و چالش‌های افراد در میانسالی و سالمندی بود.

یافته‌ها

در پاسخ به سؤالات پژوهش، یافته‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها، به دو دسته مجزا، تحت عنوان «چالش‌ها» و «تکالیف تحولی» تقسیم شد. در ادامه، به هر یک از یافته‌ها به شکل مجزا پرداخته خواهد شد.

۱- چالش‌ها

یکی از مهم‌ترین عناوینی که افراد در دوران میانسالی و سالمندی به آن اشاره نمودند، چالش‌هایی بود که پس از وارد به شدن به این مراحل تجربه کرده بودند. این افراد

۱-۲-۱- مضمون فرعی: افزایش فاصله، عدم

سازش. برخی شرکت‌کنندگان، سرد شدن رابطه جنسی خود با همسرشان و افزایش بحث و جدل‌ها را به عنوان یک چالش ذکر کردند که نشان از افزایش فاصله آنها داشت. به عنوان مثال، شرکت‌کننده شماره ۸ گفت: «به نظر من خانوم باید در تمام مسائل و امور زندگی در خدمت شوهر باشه. ببخشید اینی که من میگم شما در آینده پزشک میشی محرم هستین. خانوم خونه باید به همسرش سرویس بده. اکثر مردهایی که هرز میشن ۵۰ درصد مقصر خانومشونه. مثلاً الان خانوم من خیلی سرده نسبت بمن. خیلی کم رابطه جنسی داریم.»

شرکت‌کننده شماره ۶: «من خودم خیلی سعی کردم رعایت کنم و همیشه سعی کردم تو جمع خیلی بهش توجه کنم و محبت کنم. اما خب اون رابطه جنسی رو ازش نمی‌بینم و یکم اذیت میشن دیگه...» شرکت‌کننده شماره ۱۵ گفت: «خب الان که سن مون بالاتر رفته و خانومم یاتسه شده، میل جنسیش خیلی کم شده و ما خیلی کم رابطه داریم متأسفانه...» شرکت‌کننده شماره ۳: «خب دیگه ماهی سالی به زور یه رابطه‌ای داریم. خانومم میلش سرد شده دیگه.»

دیگر چالش‌هایی که افراد در این زیرمضمون به آنها اشاره کردند، افزایش بحث و جدل‌ها بود. به عنوان مثال، شرکت‌کننده شماره ۱۲ گفت: «اینم بگم که خواهرهای خود من دخالت می‌کردن تو زندگیمون. با وجود اینکه من خودم حاکم بودم ولی پنهانی دخالت بیجا می‌کردن. اذیت می‌شد و همین خیلی باعث می‌شد سر دخالت‌های خانوادم با هم درگیر بشیم. اینا هنوزم برایش حل نشده و همش مطرح می‌کنه و دعوا درست می‌کنه...» شرکت‌کننده شماره یک: «ببینید شوهر من جوون بود کارگری می‌کرد و به یه تخم مرغ راضی بود. اما بعدش که وضعش خوب شد اول رفت به خانواده خودش رسید تا به زن و بچه‌ش. من اینا از دلم کنار نرفتم. همیشه می‌گم بهش و همیشه هم دعوا داریم سرش...» شرکت‌کننده شماره ۲ اظهار کرد: «برداشت ما رو از تهران کشوند برد زنجان که بتوه خواهرشو شوهر بده. می‌گفت تهران کسی ما رو نمیشناسه. شوهر برایش گیر نیامد. من هنوزم ازش راضی نیستم. هنوزم قبول نمی‌کنه بخاطر خواهرش ما رو بدبخت کرد. دعوا داریم همش...» شرکت‌کننده شماره ۱۳: «ببین من میگم زن و شوهری که از اول نساژن تا آخرم نمی‌سازن. ما

و ما نگرانیم نکنه تنها بمونه. نکنه آدم مناسبی برایش پیدا شه. اگر ما فوت کنیم و یه روز نباشیم، این دختر بی‌سر و سامون می‌مونه...» شرکت‌کننده شماره ۳: «دخترم خودش کار می‌کنه و تنها زندگی می‌کنه. اما واقعاً برای خانومم مخصوصاً این ازدواج نکردنش شده یه نگرانی بزرگ.»

و آخرین چالشی که افراد به عنوان نگرانی برای آینده فرزندان‌شان عنوان کردند، مسائل مربوط به سرپای پسران بود. به عنوان مثال، شرکت‌کننده شماره ۱۱ اظهار داشت که: «از یه طرف مثلاً پسرها هر کدوم باید می‌رفتن سرپای و هی می‌گفتیم اگر جایی بیفتن که نتونن تحمل کنن چی...» شرکت‌کننده شماره ۷ بیان کرد که «هر سه تاشون وقتی متأهل شدن سرپای شدن. ما خیلی نگرانیم هنوزم...» شرکت‌کننده شماره ۱۶: «ما همش نگران بودیم اینا سرپای کجا میفتن. مادرشون هنوزم خیلی دلتنگی می‌کنه تو دوره سرپای این کوچیکه...» شرکت‌کننده شماره ۶: «هی می‌گیبم‌ای کاش معاف می‌شد. خیلی سخته برای آدم. از نگرانی میمیری تا اون دوره آموزشی مخصوصاً تموم شه.»

۱-۲-۱- مضمون فرعی: مشکلات مالی. دیگر

چالشی که افراد به عنوان نگرانی برای آینده خانواده تجربه می‌کردند، مشکلات مالی بود. برخی از این افراد، این مسائل را به شکل نگرانی برای تأمین مخارج خانواده تجربه می‌کردند. به عنوان مثال شرکت‌کننده شماره ۱۶ گفت: «بچه‌ها هر چی بزرگتر میشن خرجشونم بیشتر میشه. همه ش هم که با منه...» یا مثلاً شرکت‌کننده شماره ۷ بیان کرد: «والا الان همش باید فکر پس انداز برای این بچه‌ها باشیم که واسه شون عروسی بگیریم و جهاز بخریم.»

برخی دیگر از افراد نیز پس از بازنشستگی همچنان دنبال یافتن شغل دوم بودند. به عنوان مثال شرکت‌کننده شماره ۱۲ گفت: «لان غروبا می‌رم اسنپ کار می‌کنم که حداقل کنار حقوقم، یه پولی هم دربیارم...» یا شرکت‌کننده شماره ۴ بیان کرد که «دنبال اینیم زیر خونه‌مون یه مغازه بزینم من برم اونجا واستم که یه کمک خرجی باشه.»

۱-۲-۱- مضمون اصلی: رابطه همسران. دومین

زیرمضمون در چالش‌های مربوط به پیش رفتن فرزندان به سوی بزرگسالی، چالش مربوط به رابطه خود همسران بود. افراد در این زیرمضمون، به افزایش فاصله و عدم سازش، و بازگشت به زندگی دو نفره به عنوان چالش‌ها اشاره کردند:

خودم. حس می‌کنم انگیزه‌ای ندارم دیگه که بخوام ادامه بدم. انکار زندگی دیگه رسیده به آخراش».

برخی شرکت‌کنندگان نیز حسرت گذشته را می‌خوردند. به عنوان مثال شرکت‌کننده شماره ۱۴ اظهار داشت: «جدیداً خیلی به گذشته‌ها فکر می‌کنم. هی به خودم می‌گم چرا همش دنبال بچه‌دار شدن بودم. چرا نفرتم به کاری یاد بگیرم دستم تو جیب خوم باشه. انکار کل زندگیم هدر رفته...» یا شرکت‌کننده شماره ۵ گفت: «لان نگاه می‌کنم می‌گم من چقدر اشتباه کردم تو گذشته. دوس دارم برگردم جبران کنم. از اون طرفم به خوشیایی داشتیم که الان نداریم. می‌گم چرا ما واقعاً قدر اون خوشیا رو ندونستیم؟»

۱-۳-۴-مضمون فرعی: ناتوانی. یکی دیگر از چالش‌هایی که افراد به عنوان چالش فردی به آن اشاره نمودند، احساس ناتوانی بود. برخی افراد این ناتوانی را به شکل دچار شدن به بیماری‌های جسمی تجربه کرده بودند: به عنوان مثال شرکت‌کننده شماره ۷ گفت: «کلاً مریضم دیگه. یه روز پام درد می‌کنه، یه روز دستم درد می‌کنه. به قول معروف سن که رسید به پنجاه، فشار میاد به چند جا...» یا اینکه شرکت‌کننده شماره ۱۳ بیان کرد که «خب قند گرفتم، چربی گرفتم، هر روز قرص می‌خورم ده تا...» شرکت‌کننده شماره ۹ نیز اظهار داشت: «یه مدته درگیر سرطانم. خب سنم هم بالاست و توان شیمی درمانی ندارم واقعاً».

برخی دیگر از شرکت‌کنندگان نیز احساس ناتوانی را به شکل از دست دادن مهارت‌های گذشته تجربه کرده بودند. به عنوان مثال شرکت‌کننده شماره ۲ گفت: «من قبلاً هر دو ماه، یه فرش می‌بافتم الان اصلاً دست ندارم که بخوام اونجوری کار کنم...» شرکت‌کننده شماره ۱۵ نیز بیان کرد که «اون موقع‌ها از کجای تهران تا کجای تهران رو پیاده می‌رفتم. الان دو قدم تا سر کوچه هم نمی‌تونم برم...» و شرکت‌کننده شماره ۶ «قبلاً بالاخره خیلی خوب یادم می‌موند همه چیزو. الان واقعاً بعضی وقتا فکر می‌کنم دارم آلزایمر می‌گیرم. برای یه چیزهای ساده‌ای هم باید دو ساعت فکر کنم».

۱-۴-مضمون اصلی: اتخاذ نقش‌های جدید توسط همسران. یکی از چالش‌های دیگری که شرکت‌کنندگان پژوهش به عنوان مضمون اصلی مطرح کردند، اتخاذ نقش‌های جدید توسط آنها بود. این مضمون

هم اون موقع طلاق مد نبود وگرنه شاید بهتر بود طلاق می‌گرفتم. نه اینکه الان نوه داره. اما هنوز جلو بچه و عروس و داماد سر من داد می‌زنه».

۱-۲-۲-مضمون فرعی: بازگشت به زندگی دونفره. یکی دیگر از چالش‌هایی که افراد تحت عنوان چالش‌های مربوط به رابطه خود با همسرشان نامگذاری کردند، بازگشت به زندگی دونفره بود. به عنوان مثال، برخی از آنها مجبور شده بودند که پس از بازنشستگی، شهر محل سکونت خود را تغییر دهند و دو نفره به شهری دیگر مهاجرت کنند. مثلاً شرکت‌کننده شماره ۳ اظهار داشت که: «خب من دیگه وقتی پسر بزرگم ۲۴ سالش شد، بازنشسته شدم و از آمل نقل مکان کردیم تهران. با اینکه خودم تهرانی‌ام اما سخته از اول خو گرفتن. اینجا هم بچه‌ها نیستن و دو نفری گاهی سر میره حوصله‌مون...» شرکت‌کننده شماره ۷ نیز بیان کرد که: «بازنشست که شدیم برگشتیم شهر خودمون. الان گاهی میام تهران به بچه‌ها سر می‌زنیم. خودمونم خونه‌مون رو داریم اینجا. خب رفت و آمدش اذیت کننده شده. همسریم که سرش به کار خودش گرمه. ولی من یکم افسرده شدم راستش». برخی از شرکت‌کنندگان نیز از دشواری‌های مربوط به عادت به شرایط بازنشستگی گفتند. مثلاً شرکت‌کننده شماره ۱ اظهار داشت: «سخته دیگه. یه عمر صبح زود بیدار شد رفتی کار کردی. الان باید بمونی خونه با زنت بحث کنی سر در قندون و شوروی غذا...» یا مثلاً شرکت‌کننده شماره ۱۵ گفت: «من از بیکار شدنم متنفرم خانم دکتر. سختم شده. عادتیم نکردم. همش دور خودم می‌چرخم تو خونه. انکار سختمه با همسریم تو یه خونه باشیم. همش حس می‌کنم غریبه‌ایم».

۱-۳-۱-مضمون اصلی: چالش‌های فردی. یکی دیگر از مضامین اصلی‌ای که افراد به آن اشاره کردند، چالش‌های فردی بود که افراد آن را به شکل سرخوردگی و ناتوانی تجربه می‌کردند:

۱-۳-۱-مضمون فرعی: سرخوردگی. افراد اظهار داشتند که در سنین میانسالی و کهنسالی دچار سرخوردگی شده‌اند. برخی از آنها این سرخوردگی را به شکل افسردگی تجربه کرده بودند. به عنوان مثال، شرکت‌کننده شماره ۳ بیان کرد: «از وقتی بچه‌ها از خونه رفتن، به شدت احساس تنهایی و افسردگی می‌کنم. حس می‌کنم یه چیزی کمه...» یا مثلاً شرکت‌کننده شماره ۸ گفت: «همش تو

ما... شرکت‌کننده شماره ۲ نیز گفت: «خب این چون به گوشش رسیده بوده که ما ناراضی بودیم، تو دلش مونده بود. بعد عقد حسابی تلافی کرد».

و در نهایت، برخی شرکت‌کنندگان با طلاق فرزند خود دست و پنجه نرم می‌کردند. مثلاً شرکت‌کننده شماره ۳ گفت: «البته به همین راحتی هم نیست. من و خانوم مشکلات روحی و جسمی مثلاً ناراحتی قلبی پیدا کردیم. مادرشون اعصاب و روانش بهم ریخت... یا به عنوان مثال شرکت‌کننده شماره ۸ بیان داشت که: «بالاخره واسه هر خانواده‌ای پیش میاد ازدواج ناموفق داشته باشن. سومی که خودمون انتخاب کرده بودیم و فامیل بود، طلاق گرفتیم. ما داغون شدیم».

۱-۴-۲- مضمون فرعی: مادر/پدربزرگ شدن.

یکی دیگر از چالش‌هایی که افراد در پذیرش نقش‌های جدید با آن روبرو بودند، ایفای نقش به عنوان پدربزرگ یا مادربزرگ بود. برخی از افراد شرکت‌کننده در پژوهش، اعتماد کافی به فرزندان خود بابت نگهداری درست از نوه‌ها نداشتند. به عنوان مثال شرکت‌کننده شماره ۲ اظهار داشت: «مثلاً هی به عروسم می‌گفتم اینو لخت نیار اینجوری بیرون. مریض میشه. اصلاً گوش نمی‌دن به حرف آدم که. حرفم که بهشون میزنی فوری ناراحت میشن... شرکت‌کننده شماره ۷ نیز گفت: «هی به این دختر می‌گم اینو تو بیچ تو قنداق که پاهاش صاف شه. میگه نه اینا مال قدیمیاس. یا میگفتم بهش عرق‌های خنکی بده که زردی نگیره وقتی به دنیا اومده. انقدر گوش نداد که بچه زردی گرفت. فکر می‌کنن فقط خودشون بچه‌داری بلدن».

برخی دیگر از شرکت‌کنندگان نیز به اختلاف با فرزندان بر سر تربیت نوه(ها) اشاره کردند. به عنوان مثال، شرکت‌کننده شماره ۱۱ گفت: «تا ما میایم وقتی بچه رو دعوا می‌کنه نازش کنیم، میگه شما طرفداریش رو کردید بچه به حرف ما گوش نمی‌ده... یا شرکت‌کننده شماره ۵ گفت: «عروسم گفت بردیمش پیش مشاور بچه رو. اونم بهم گفته که اجازه نده بقیه تو تربیتش دخالت کنن. حالا انگار بچه‌های خود ما که ما بزرگ کردیم بی‌تربیت شدن».

۲- تکالیف تحولی

از تجارب زیسته دیگری که افراد در دوران میانسالی و سالمندی به آنها اشاره کردند، تکالیف تحولی مرتبط با این مراحل بود. به دنبال تحلیل مصاحبه‌ها، دو مضمون کلی تحت عنوان «تکالیف تحولی معطوف به فرزندان»، و

در مورد افرادی صدق می‌کرد که فرزندان آنها ازدواج کرده بودند و شرکت‌کنندگان، نقش‌های جدیدی همچون پدر/مادر زن همسر را اتخاذ کردند. همچنین برخی شرکت‌کنندگان دارای نوه نیز بودند و در نتیجه نقش مادر/پدربزرگ بودن را نیز به عهده داشتند.

۱-۴-۱- مضمون فرعی: مادر/پدر همسر شدن.

از چالش‌هایی که افراد در اتخاذ نقش‌های جدید با آن دست به گریبان بودند، چالش‌های مربوط به ازدواج فرزندان و تخصیص نقش مادر/پدر همسر به افراد بود. برخی از افراد شرکت‌کننده در پژوهش اظهار داشتند که بی‌تجربگی در ازدواج اولین فرزند، از چالش‌هایی بوده که با آن مواجه شده‌اند. به عنوان مثال شرکت‌کننده شماره ۹ اظهار داشت: «خب باز پسر اولم که اولین تجربه ازدواج رو بین بچه‌هامون داشت بیشترین استرس رو داشتیم. هیچی نمی‌دونستیم... شرکت‌کننده شماره ۸: «کلاً فرزند اول به چیز دیگه‌ست. هم به دنیا اومدنش و هم ازدواج کردنش برای آدم فرق می‌کنه. وقتی به دنیا میاد خیلی ذوق میکنی و در عین حال بی‌تجربه‌ای و نمیدونی چیکار کنی. وقتی هم عروسی میکنه هم اضطرابت بیشتره... و شرکت‌کننده شماره ۳ گفت: «خب واقعاً اصلاً حتی بلد نبودیم بریم خواستگاری. به همسر می‌گفتم من زنگ بزنم به مادر دختره چی بگم بهشون آخه؟».

برخی دیگر از افراد نیز با ازدواج فرزند خود و انتخابی که انجام داده بود مخالف بودند. به عنوان مثال، شرکت‌کننده شماره ۱ بیان کرد: «مثلاً خانم پسر اولم خیلی سختگیر بودن خانواده‌ش. همسر منم به وصلت راضی نبود... یا شرکت‌کننده شماره ۳ گفت: «خب اونما هم شرایط خاص خودشون رو داشتن و مهریه خیلی سنگین میخواستن و شروط خیلی سنگین. که ما برامون سخت بود قبول کنیم این ازدواجو. مخالف بودیم... و شرکت‌کننده شماره ۶: «به پسر می‌گفتم این خانم قبلاً ازدواج کرده به درد تو نمی‌خوره. ما خیلی مخالف بودیم با ازدواجش».

شرکت‌کنندگان، همچنین به چالش‌ها و اختلافات خود با عروس/دامادشان اشاره کردند. مثلاً شرکت‌کننده شماره ۸: «عروسم از روز اول تخم جنگ و دعوا پاشید با خانوم. اذیت می‌کرد... یا شرکت‌کننده شماره ۳ گفت: «پسر من صبحی زنگ زد گفت شما زن منو اذیت کردید. حالا ما هی قسم و آیه که ما اصلاً چیزی به این نگفتم. خلاصه انقدر دو به هم زنی کرد که خراب کرد رابطه محمد رو با

شماره ۱۰ گفت: «ما چند نفر رو به ایشون معرفی کردیم که هر کس برایش مناسب بود، بریم برای مراحل جلوتر»... یا شرکت‌کننده شماره ۱۳ بیان داشت: «خانومم رفت چندین جا خواستگاری. چون معیارهای پسر مو می‌دونست که چیا دوس داره».

برخی دیگر نیز تسهیل در فرایند ازدواج را مساوی با پذیرش انتخاب فرزندشان می‌دانستند. به عنوان مثال شرکت‌کننده شماره ۱۶ بیان کرد: «اومد گفت بابا می‌خوام باهات حرف بزنم. من فلانی رو می‌خوام. من اولش جا خوردم. اما بعدش گفتم وقتی خودش می‌خواد، ما هم می‌پذیریم».

برگزاری مراسم خواستگاری نیز از نظر افراد، یک تکالیف مهم تلقی می‌شد. مثلاً شرکت‌کننده شماره ۹ گفت: «خانومم زنگ زد به مادر ایشون و قرار گذاشت که بریم برای خواستگاری»... یا مثلاً شرکت‌کننده شماره ۵: «همسرم از طریق کسی که معرفی کرده بود باهاشون جلسه خواستگاری و در میون گذاشت و رفتیم».

تحقیق برای ازدواج فرزند نیز تکلیف تحولی بود که شرکت‌کنندگان جهت تسهیل فرایند ازدواج فرزندشان انجام داده بودند. مثلاً شرکت‌کننده شماره ۵ بیان کرد: «زتم محل کارش پرسجو کردم ببینم چجور پسریه».

و برخی نیز به حمایت‌های مالی نظیر برگزاری مراسم عروسی، تهیه منزل برای زوج جوان، و تهیه جهیزیه اشاره کردند. به عنوان مثال شرکت‌کننده شماره ۷ بیان کرد که: «سعی کردم تا اون جا که در توانم هست از نظر مالی بهشون کمک کنم تا عروسی‌ای که باب دلشونه بگیرن»... شرکت‌کننده شماره ۱۵ گفت: «رفتیم بانه چند تیکه اصلی جهیزیه شو اونجا گرفتیم. از کانون بازنشستگان وام گرفته بودم»... و شرکت‌کننده شماره ۴ گفت: «ما به زمینی تو شمال داشتیم که روش کشاورزی می‌شد. اونو فروختیم برای پسریم یه خونه کوچیک تو تهران خریدیم که اول کاری نخوان اجاره خونه بدن».

همچنین برخی شرکت‌کنندگان، کمک به فرزندانشان در حل مشکلات زناشویی را مهم تلقی کردند. به عنوان مثال، شرکت‌کننده شماره ۱۱ گفت: «بالاخره ما ریش سفیدی می‌کنیم نمیزاریم مشکلاتشون به جای باریک برسه»... یا مثلاً شرکت‌کننده شماره ۱۳: «سعی می‌کنیم دخالت نکنیم اما تا جایی که می‌شه راهنمایی کنیم که رابطه‌شون بخاطر سوء تفاهما به خطا نره».

«تکالیف تحولی معطوف به زوج» استخراج شد (شکل ۱)، که به کدام از آنها در ادامه اشاره خواهد شد.

۲-۱-مضمون اصلی: تکالیف تحولی معطوف به فرزندان. یکی از تکالیف تحولی‌ای که افراد به آن اشاره کردند، تکالیفی بود که معطوف به فرزندان بود. زیرمضمون‌های این مضمون شامل «ساختن آینده فرزندان»، «تسهیل ازدواج فرزندان»، و «نوه داری» بود که به هر کدام از این زیرمضمون‌ها به شکل جداگانه پرداخته خواهد شد.

۲-۱-۱-مضمون فرعی: ساختن آینده فرزندان. افراد شرکت‌کننده در پژوهش، ساختن آینده فرزندان خود را به عنوان یکی از تکالیف تحولی مهم در دوره میانسالی و پس از آن ذکر کردند. برخی از افراد اظهار داشتند که کمک به فرزندشان در یافتن شغل مناسب، که تکلیف تحولی در راستای ساختن آینده فرزند است. به عنوان مثال، شرکت‌کننده شماره ۱ اظهار داشت که: «دخترم چون مهندسی شیمی گرفته بود جایگزین من شد تو شرکت نفت. خب من خودم بازنشست شدم دیگه»... یا شرکت‌کننده شماره ۵ گفت: «براش وام گرفتیم یه تاکسی خریدیم که بتونه روش کار کنه»... همچنین شرکت‌کننده شماره ۶ نیز: «خانومم آرایشگره. یکی از مشتریاش موسسه کنکور داره. باهاش صحبت کرد و دخترم رفت اونجا شروع کرد به تدریس».

برخی دیگر از شرکت‌کنندگان، کمک به تأمین مخارج تحصیل را در ساختن آینده فرزند خود مهم می‌دانستند. مثلاً شرکت‌کننده شماره ۱۱ معتقد بود: «مخارج دانشگاهش رو می‌دیم دیگه که ایشالا بعدش بتونه واسه خودش بره مستقل شه و کسی بشه»... یا مثلاً شرکت‌کننده شماره ۷: «فعالاً دارم وام می‌گیرم که بتونم شهریه‌ش رو بدم. چون رشته‌ش واحد عملی داره خیلی گرون درمیاد از یه جایی به بعد. بالاخره اینم برای بچه‌مون نکنیم چیکار کنیم».

۲-۱-۲-مضمون فرعی: تسهیل ازدواج فرزندان. از دیگر تکالیف تحولی‌ای که افراد در قالب فرزندانشان به آنها اشاره کردند، تسهیل فرایند ازدواج فرزندان بود. افراد این تکلیف تحولی را به اشکال مختلفی به انجام رسانده بودند. به عنوان مثال برخی از آنها معتقد بودند که کمک به فرزندان در جهت انتخاب همسر مناسب، یک تکلیف تحولی مهم است. مثلاً شرکت‌کننده

۲-۱-۲-۱-مضمون فرعی: بهبود رابطه با همسر. افراد در اشاره به تکلیف تحولی بهبود روابط با همسر، به موارد مختلفی اشاره کردند. به عنوان مثال برخی از افراد، درک مسائل ناشی از یائسگی همسرشان را به عنوان تکلیفی در جهت بهبود رابطه با وی می‌دانستند. به عنوان مثال شرکت‌کننده شماره ۱۳ گفت: «خب بالاخره خانوما یائسه می‌شن مسائل خودشونو دارنو آدم باید سعی کنه درک کنه... یا فرد شماره ۱۶ اظهار کرد: «یائسگی خانوما بالاخره اثر میزازه تو زندگی. آدم باید حواسش باشه که کنار همسرش باشه و فشار نیاره بهش».

همچنین، بازیابی رابطه صمیمانه با همسر و حمایت عاطفی وی نیز توسط برخی شرکت‌کنندگان بیان شد. به عنوان مثال شرکت‌کننده شماره ۲ گفت: «وقتی بچه‌ها رفتن دنبال کار و زندگی، انگار به همون اوایل ازدواج که بچه‌ای نداشتیم بازگشت کردیم و تنها شدیم. سعی کردم بیشتر حواسم بهش باشه... یا شرکت‌کننده شماره ۵ بیان کرد که: «یه تایم‌هایی غروبا دوتایی می‌ریم پیاده روی توی پارک. سعی می‌کنم بیشتر خونه باشم که همسرم احساس تنهایی نکنه... و شرکت‌کننده شماره ۱۲ گفت: «دیگه خودمون موندیم واسه همدیگه. مثلاً می‌رم از کتابخونه کتاب می‌گیرم میارم دوتایی می‌خونیم. خانومم رمان عاشقانه خیلی دوس داره».

بعلاوه، برخی شرکت‌کنندگان، مراقبت از همسر بیمار خود و رسیدگی به وی را به عنوان تکلیف تحولی مربوط به بهبود رابطه با همسرشان می‌دانستند. مثلاً شرکت‌کننده شماره ۹ اظهار کرد که: «پاش بعد از اینکه مادر من فوت کرد، دیگه پا نشد. کم کم داره فلج می‌شه. نمی‌تونه درست راه بره. کاراشو من خودم می‌کنم... یا شرکت‌کننده شماره ۶ گفت: «خودمون مراقب همیم. آدم نمی‌تونه از بچه‌ها توقع کنه. هر دو مونم دیگه مریمیم. اما لنگ لنگان خرمونو به منزل می‌رسونیم. کارهای همو انجام می‌دیم. کمک همیم».

بحث و نتیجه‌گیری

میانسالی و سالمندی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی انسان‌ها در نظر گرفته می‌شوند. این مراحل، دورانی حساس در تحول روانی انسان بوده و تغییرات جسمی، شناختی، و اجتماعی خاص و منحصر به خود را دارند (یونگ^۱، ۲۰۲۱). هدف این پژوهش، شناسایی تجارب زیسته افراد متأهل

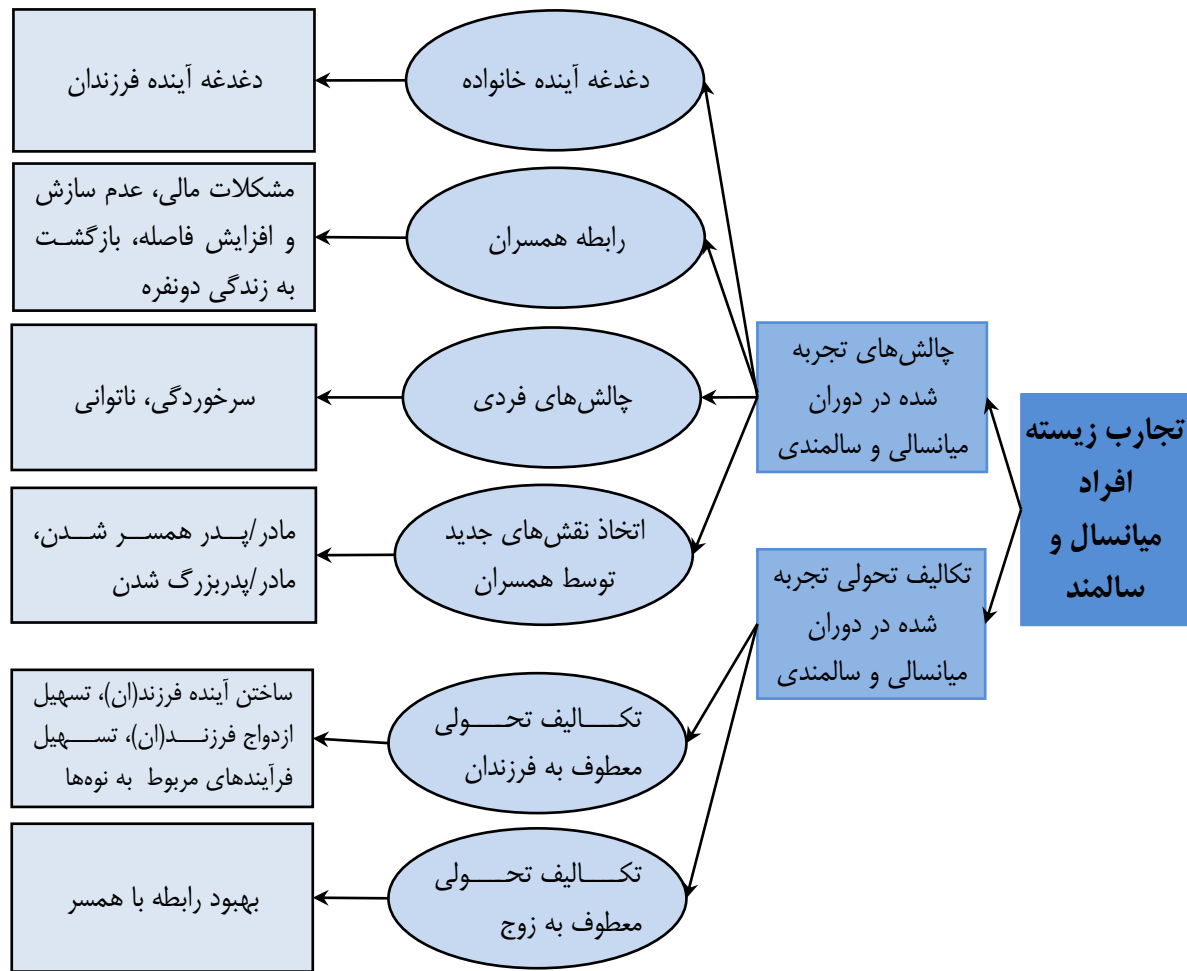
و در نهایت، سازگاری و مدارا با عروس یا داماد جدید خانواده، از تکالیف تحولی مهمی مورد اشاره بود. مثلاً جمله «ما دوس داشتیم عروسمون مثل دخترمون باشه. نمیداشتیم کار کنه تو خونه ما. نمیداشتیم دست به سیاه سفید بزنه» را شرکت‌کننده شماره ۱۳ بیان کرد. یا مثلاً شرکت‌کننده شماره ۱۱ گفت: «دیگه وقتی عقد کردن، پذیرفتیم که این دیگه داماد ماست و باید باهاش مدارا کنیم چون گوشتمون دستشه».

۲-۱-۲-۳-مضمون فرعی: تسهیل فرایندهای مربوط به نوه‌ها. دیگر تکالیف تحولی در قبال فرزندان، تسهیل فرایندهای مربوط به نوه‌ها بود که طیف گسترده‌ای از نگرانی و مراقبت از دختر/عروس باردار تا نگهداری از نوه‌ها داشت. برخی از افراد، به نگهداری از دختر/عروس باردار خود اشاره کردند. مثلاً شرکت‌کننده شماره ۲ بیان کرد: «عروسم طبقه پایین من بود. وبار که داشت هر روز براش غذا می‌پختم می‌بردم... یا شرکت‌کننده شماره ۷: «دخترم اون چند ماه استراحت مطلقشو کلا اومد خونه من موند که مراقبش باشم». برخی دیگر از افراد، تهیه سیسمونی را تکلیف مهمی قلمداد می‌کردند. شرکت‌کننده شماره ۷: «اومدم تهران رفتم سه‌تایی با دامادم و دخترم سیسمونی خریدیم». شرکت‌کنندگان همچنین به کمک به مراقبت از نوزاد در روزهای اولیه پس از زایمان اشاره کردند. فرد شماره ۶ اظهار داشت: «دخترم که زایمان کرد رفتم دو هفته خونه‌ش موندم کمک کنم از آب و گل دربیاد... همچنین شرکت‌کننده شماره ۱۱ گفت: «عروسم اومد خونه ما موند چون مادرش شهرستان بود. کمرش عمل کرده بود نمی‌تونست بیاد تهران. من ارزش پذیرایی کردم یه ماه. از عروسم».

و در نهایت برخی افراد، همچنان وظیفه نگهداری از نوه‌ها را ادامه دادند. مثلاً شرکت‌کننده شماره ۱۵ اظهار داشت: «یکی از نوه‌هام با ما تو یه ساختمونه. پنج سالشه. هر روز خونه ماست. عملاً ماتر و خشکش می‌کنیم... و شرکت‌کننده شماره ۹ گفت: «عروسم می‌ره اداره. رئیس بانک. هر صبح بچه رو میزارن پیش ما و می‌رن سرکار».

۲-۱-۲-۲-مضمون اصلی: تکالیف تحولی معطوف به زوج. از دیگر تکالیف تحولی‌ای که افراد به آنها اشاره کردند، تکالیف رابطه خود و همسرشان بود و بهبود رابطه با همسر را شامل می‌شد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

¹ Young



شکل ۱. چالش‌ها و تکالیف تحولی تجربه شده در میانسالی و سالمندی

همسران، چالش‌های فردی، و چالش‌های مربوط به اتخاذ نقش‌های جدید توسط همسران. چالش‌های مرتبط با دغدغه آینده خانواده، شامل دغدغه آینده فرزندان (نظیر آینده شغلی، سربازی، و ازدواج مناسب) و مشکلات مالی (نظیر نگرانی برای تأمین مخارج خانواده، و شاغل شدن پس از بازنشستگی) بود. پژوهش‌هایی که در خارج از ایران انجام شده‌اند، به طور کلی به افزایش استرس‌ها در دوران آشیانه خالی و سالمندی اشاره کرده‌اند که چنانچه از این منظر بنگریم، می‌توان گفت که با یافته پژوهش حاضر مبنی بر نگرانی‌های والدین مرتبط است (بوگی و همکاران، ۲۰۱۹). اما نکته قابل توجه این است که در پژوهش‌های انجام شده در فرهنگ‌های فردگرا، استرس‌ها و نگرانی‌هایی که والدین در دوران آشیانه خالی و سالمندی تجربه می‌کنند، بیشتر معطوف به خود و رابطه با همسر بوده و کمتر معطوف به آینده فرزندان است (دهل و دهل، ۲۰۱۳، اریکسون و همکاران، ۲۰۱۰). در واقع می‌توان

درباره چالش‌ها و تکالیف تحولی در دوران میانسالی و سالمندی بود. طبق یافته‌های پژوهش، افراد میانسال و سالمند، چالش‌هایی نظیر دغدغه آینده خانواده، رابطه همسران، چالش‌های فردی، و اتخاذ نقش‌های جدید توسط همسران را تجربه می‌کنند. همچنین یافته‌های مربوط به تکالیف تحولی نشان داد که عمده تکالیف تجربه شده در این دوران، تکالیف تحولی مربوط به فرزندان، و تکالیف تحولی مربوط به رابطه است. از آنجا که در بخش یافته‌های پژوهش به چالش‌ها و تکالیف تحولی به شکل جداگانه‌ای پرداخته شد، در بحث نیز به این دو مبحث به شکل مجزا پرداخته خواهد شد.

سؤال اول پژوهش مربوط به شناسایی چالش‌های تجربه شده افراد در دوران میانسالی و سالمندی بود. داده‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که افراد در این مراحل، با چهار دسته چالش روبرو بوده‌اند: چالش‌های مرتبط با دغدغه آینده خانواده، چالش‌های مرتبط با رابطه

زناشویی در دوران خروج فرزندان از منزل کاهش می‌یابد (بی، ۱۹۹۱؛ شن و چن، ۲۰۰۴؛ هسیائو، ۲۰۱۷) و با نتایج پژوهش ما همسو بودند. در مورد رابطه جنسی در دوران میانسالی و سالمندی نیز، طبق یافته‌ها به نظر می‌رسد که یائسگی یا ناتوانی جسمانی جنسی تنها بخش کوچکی از عوامل مربوط به کاهش رابطه جنسی در دوران آشیانه خالی به شمار می‌رود و عوامل مربوط به رابطه همسران و عوامل جامعه‌شناختی، نقش مهم‌تری ایفا می‌کنند (کارپنتر و همکاران، ۲۰۰۶). اما گویا در ایران، وضعیت رابطه زوجی و جنسی کمی متفاوت از جوامع غربی است.

به عنوان مثال، طبق پژوهش عابدی و همکاران (۲۰۲۰) زنان میانسالی که دچار سندرم آشیانه خالی بودند عملکرد و رضایت جنسی پایین‌تری را گزارش دادند و در واقع تنهایی ناشی از آشیانه خالی می‌تواند عملکرد جنسی را کاهش دهد. به نظر می‌رسد که در ایران نیز در دوران میانسالی و سالمندی، افراد میل جنسی پایین‌تر و سرد شدن رابطه جنسی را به عنوان یکی از چالش‌های جدی مربوط به رابطه خود بیان می‌کنند. این امر را می‌توان اینگونه تبیین کرد که در فرهنگ ایرانی، برخی رفتارها را خارج از عرف و نامتناسب با سن در نظر می‌گیرند، و در نتیجه بسیاری از زوجین در سنین بعد از یائسگی، گمان می‌کنند که می‌بایست تمرکز خود را بر روی فرزندان و نوه‌ها گذاشته و اصطلاحاً این کارها دیگر از سن آنها گذشته است. چالش سومی که افراد میانسال و سالمند به عنوان تجربه زیسته خود از این دوران بیان کردند، چالش‌های فردی بود. در واقع، افراد به سرخوردگی‌هایی اشاره کردند که شامل افسردگی و احساس تنهایی و خوردن حسرت گذشته بود. همچنین، آنها ناتوانی را نیز به عنوان یک چالش فردی بیان کردند. در واقع، افسردگی سالمندی^۱ یک اختلال روان‌شناختی معمول است که در افراد میانسال و سالمند رخ می‌دهد، و می‌تواند منجر به خودکشی سالمندی، و به خطر افتادن سلامت سالمندان شود (لی و همکاران، ۲۰۲۱). می‌توان گفت که احساس تنهایی که والدین پس از خروج فرزندان از منزل تجربه می‌کنند، یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر سلامت روان آنان و بروز علائم افسردگی است (ونگ و همکاران، ۲۰۱۷؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۲۰؛ و ژنگ و همکاران، ۲۰۲۰). در ایران نیز، پژوهش‌هایی به بروز افسردگی به

گفت که چنانچه از این منظر به پژوهش‌هایی که در جوامع غربی انجام شده بنگریم، نتایج پژوهش‌ها با پژوهش حاضر همخوان نیست. در واقع طبق پژوهش‌ها، همسرانی که دیگر با فرزندان خود در خانه زندگی نمی‌کنند، نقش‌های کمتری را به عهده دارند، و قادر هستند تا زمان و انرژی خود را بیشتر بر روی رابطه زناشویی و خودشان سرمایه‌گذاری کنند (گورچوف و همکاران، ۲۰۰۸؛ میچل و ویستر، ۲۰۱۵). این در حالی است که در فرهنگ‌های جمع‌گرا، نگرانی‌های والدین بیشتر معطوف به فرزندان بود و با نتایج پژوهش حاضر مبنی بر داشتن دغدغه و نگرانی برای آینده فرزندان، همخوانی بیشتری دارد (هسیائو، ۲۰۱۷). در واقع والدین ایرانی در مرحله میانسالی و سالمندی، آشیانه خالی و استقلال فرزندان را به معنایی که در جامعه غربی تجربه می‌شود، تجربه نمی‌کنند و یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های آنها، همواره حول محور فرزندان می‌گردد. این امر که فرزندان نه تنها از نظر روانی، بلکه از نظر مالی نیز از خانواده مستقل نیستند و پدر خانواده تا زمانی که فرزندان ازدواج نکرده‌اند، نقش نان‌آور اصلی را ایفا می‌کند، منجر به افزایش استرس والدین برای تأمین مخارج خانواده شده و در نتیجه پدر خانواده، گاهی پس از بازنشستگی نیز مجبور به کار کردن است تا نیازهای مالی اعضای خانواده را تأمین کند. طبق یافته‌های پژوهش، از دیگر چالش‌های تجربه شده در دوران میانسالی، چالش‌های مرتبط با ارتباط زوجی بود. چالش‌های مرتبط با رابطه همسران، شامل افزایش فاصله و عدم سازش نظیر سرد شدن رابطه جنسی، و حل نشدن چالش‌های گذشته بود. همچنین این افراد، بازگشت به زندگی دو نفره را نوعی چالش قلمداد می‌کردند. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، شواهد موجود در مورد چالش‌های رابطه زوجی در دوران میانسالی، ترکیبی متفاوت از انواع یافته‌ها است. در برخی از مطالعات که با نتایج پژوهش ما همسو نبود، آشیانه خالی با کیفیت بالاتر رابطه جنسی و زناشویی (گورچوف و همکاران، ۲۰۰۸)، و نرخ پایین‌تر تعارض (ژنگ، ۲۰۲۰؛ گورچوف و همکاران، ۲۰۰۸) همراه بود. این در حالی است که پژوهش‌های دیگری که با نتایج پژوهش ما همسو بودند، به بالا رفتن احتمال طلاق (هایدمن و همکاران، ۱۹۹۸) و افزایش استرس‌های مربوط به روابط بین فردی (نظیر مشاجره با همسر) اشاره کردند (هاهن و همکاران، ۲۰۱۴). از سوی دیگر، پژوهش‌های انجام شده در کشورهای جمع‌گرا نشان داد که رضایت

¹ geriatric depression

جدیدی است. همانطور که اشاره شد، پژوهش‌هایی بر روی مسأله ارتباط همسران با خانواده‌های یکدیگر انجام شده است که حاکی از آن است که این ارتباط، یکی از مهم‌ترین عوامل در رضایت زناشویی زوج (عروس/داماد) تلقی می‌شود و چنانچه رابطه با خانواده همسر دارای تعارض باشد، تأثیر مستقیمی بر کیفیت رابطه زوجی می‌گذارد (چراغی و همکاران، ۱۳۹۴). نگاهی به پژوهش‌های انجام شده در کشورهای جمع‌گرا (نظیر چین و هند) نیز نشان دهنده شباهت این کشورها با فرهنگ ایرانی در زمینه تعارضات با خانواده همسر است (داتا و همکاران، ۲۰۰۳؛ وو و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین به نظر می‌رسد که رابطه با خانواده همسر، بیشتر مخصوص به فرهنگ‌های جمع‌گرا می‌باشد. اما همانطور که گفته شد، یافته‌های پژوهش حاضر که تجارب زیسته مادر/پدرشوهر مادر/پدرزن را مورد بررسی قرار داده است، نگاهی جدید به ماجرا دارد و به نظر می‌رسد که پژوهش‌های بیشتری نیاز است تا تأثیر تغییر نقش را در کیفیت زندگی فردی و زناشویی افراد میانسال بررسی کند.

دومین سؤال اصلی پژوهش، مربوط به شناسایی تکالیف تحولی تجربه شده افراد در دوران میانسالی و سالمندی بود. داده‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که افراد در این مراحل، با چهار دسته تکالیف تحولی روبرو بوده‌اند: تکالیف تحولی معطوف به فرزندان، تکالیف تحولی معطوف به زوج، و تکالیف تحولی معطوف به خود. افراد شرکت‌کننده در پژوهش حاضر، به تکالیفی نظیر ساختن آینده فرزندان (کمک در پیدا کردن شغل، تقبل هزینه‌های تحصیل)، و تسهیل ازدواج فرزندان (کمک به انتخاب همسر مناسب، پذیرش انتخاب فرزندان، برگزاری مراسم خواستگاری، تحقیقات برای ازدواج فرزندان، حمایت مالی برای شروع زندگی، پذیرش و سازگاری با عروس/داماد جدید، تلاش برای حل مشکلات زناشویی فرزندان)، به عنوان تکالیف تحولی معطوف به فرزندان اشاره کردند. به نظر می‌رسد که برخی تکالیف نظیر پذیرش و سازگاری با عروس/داماد جدید، همسو با «اصلاح روابط به طوری که عروس و داماد (خویشاوندان سببی)^۱ و نوه‌ها را نیز شامل شود» گفته شده توسط کارتر و مک گلدریک است. اما باقی تکالیف گفته شده توسط شرکت‌کنندگان این پژوهش، با نظریات موجود درباره تکالیف تحولی خانواده

عنوان یکی از عوارض جانبی ورود به میانسالی اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال، عزیزی و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند که میزان افسردگی و احساس تنهایی والدین پس از خروج فرزندان از منزل، به شکل معناداری افزایش می‌یابد. همان طور که قبلاً اشاره شد، به نظر می‌رسد که به علت سیستم درهم تنیده خانواده‌های ایرانی و عدم تمایز یافتگی فرزندان از والدین، خروج فرزندان از منزل، والدین را دچار احساس طردشدگی و تنهایی می‌کند. همچنین از آنجا که گروه نمونه ما افراد میانسال و سالمند بودند، به نظر می‌رسد که این افراد در دورانی با یکدیگر ازدواج کرده‌اند که طلاق، امری قبیح در جامعه تلقی می‌شده است و اصطلاح «دختر باید با لباس عروس بره خونه شوهر، و با کفن سفید برگرده»، مصداق بارز این است که در صورت وجود مشکلات زناشویی نیز، فرهنگ جامعه به آنها اجازه جدا شدن را نمی‌داده است. از این رو، افراد با بچه‌دار شدن، خلأ محبت و ارتباط سالم با همسر، و تنهایی خود را پر می‌کرده‌اند، و با خروج فرزندان از منزل، بسیاری از زوجها مجدداً احساس تنهایی و افسردگی را تجربه می‌کنند. در نهایت، آخرین چالشی که افراد به آن اشاره کردند، اتخاذ نقش‌های جدید توسط همسران بود. یکی از این چالش‌ها، مربوط به اتخاذ نقش پدر/مادر همسر بود که افراد آن را به شکل بی‌تجربگی در ازدواج اولین فرزند، مخالفت با انتخاب فرزند برای ازدواج، چالش و اختلاف با عروس/داماد، و طلاق فرزندان تجربه کرده بودند. همچنین افراد با اتخاذ نقش به عنوان پدر/مادربزرگ نیز چالش‌هایی داشتند و آن با آنها به شکل تجربه عدم اعتماد کافی به فرزند بابت نگهداری درست از نوه‌ها، و اختلاف با فرزندان بر سر تربیت نوه دست به گریبان بودند. به نظر می‌رسد که در ایران، زن و شوهر تنها با یکدیگر ازدواج نمی‌کنند بلکه با مجموعه‌ای جدایی‌ناپذیر ازدواج می‌کنند که شامل همسر و خانواده وی خواهد بود. متأسفانه تمامی پژوهش‌هایی که در ایران در مورد خانواده همسر انجام شده‌اند، مبنای خود را بروی زوجین جوان (عروس/داماد) گذاشته‌اند. در واقع هیچ پژوهشی (تا جایی که پژوهشگر اطلاع دارد)، مبنای خود را بر روی مادر/پدرشوهر و مادر/پدر زن نگذاشته است و تأثیر ورود و حضور عروس/داماد جدید را بر روی زندگی والدینی که در مرحله آشیانه خالی به سر می‌برند مطالعه نکرده است. بنابراین پژوهش حاضر از این منظر که تجارب زیسته والدین را شناسایی کرده است، دارای یافته‌ها و نگاه

¹ in-laws

زنان از وقت مشترک گذراندن با همسرشان است (گورچوف و همکاران، ۲۰۰۸). در واقع آشیانه خالی به زوجین اجازه می‌دهد تا تعامل بیشتری با یکدیگر داشته باشند و احساس راحتی و لذت بیشتری را در رابطه دو نفره تجربه کنند. به علاوه، زوجینی که در مرحله آشیانه خالی به سر می‌برند، صلح و آرامش بیشتری را نسبت به زمانی که فرزندان در خانه بودند تجربه می‌کنند (نگی و ثیس، ۲۰۱۳). به نظر می‌رسد که طبق یافته‌های پژوهش ما نیز تجربه آشیانه خالی، توجه زوجین را بر رابطه خودشان معطوف می‌سازد.

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که دوران میانسالی و سالمندی در کشور ایران، از چندین جهت، به شکلی متفاوت از فرهنگ‌های دیگر تجربه می‌شود. اول آنکه، در خانواده‌های ایرانی، خروج فرزندان از منزل، معمولاً به وسیله ازدواج یا دانشجو شدن در شهر دیگر رخ می‌دهد و برخلاف افراد میانسال یا سالمند در جوامع غربی، نوجوانان در ایران، خانه را به قصد استقلال ترک نکرده و تا پیش از ازدواج یا اجبار برای رفتن به شهری دیگر برای درس یا کار در منزل پدری باقی می‌مانند. همین امر موجب می‌شود تا آشیانه خالی به معنای خروج فرزندان از منزل، دیرتر از فرهنگ‌های دیگر تجربه شود. دوم آنکه، مفهومی تحت عنوان آشیانه خالی که در آن والدین به رابطه خود سامان داده و از فرزندان خود تمایزیافتگی پیدا کرده‌اند، در ایران تجربه نمی‌شود. طبق یافته‌های پژوهش، والدینی که در دوران میانسالی یا سالمندی به سر می‌برند، همچنان بیشترین چالش‌ها و تکالیف تحولی خود را، به شکل معطوف به فرزندان تجربه می‌کنند؛ بدین صورت که باید مقدمات مالی برای زندگی آنها را فراهم کرده، ازدواج آنها را پیش برده، و در نگهداری از نوه‌ها و همچنین حل مشکلات رابطه‌ای فرزندان خود، مشارکت نمایند. همین امر، نشان‌دهنده پویایی زندگی افراد میانسال و سالمند، و نقش پررنگ آنها در پیشبرد زندگی فرزندان بزرگسال بوده و در عین حال نمایانگر کاهش توجه و سرمایه‌گذاری بر رابطه زوجی خود است. این امر موجب می‌شود تا زوجینی که رابطه عاطفی و جنسی محکمی ندارند، بیشترین تمرکز خود را بر روی فرزندان، عروس/داماد، و نوه‌ها گذاشته و از تمرکز بر رابطه پر تعارض زناشویی خود اجتناب ورزیده، و در نتیجه دوران میانسالی و سالمندی خود را با چالش‌های زوجی کمتری سپری کنند. سوم آنکه، به علت عدم

که بر اساس خانواده‌های غربی بنا شده‌اند و فرزند بزرگسال را در دوران میانسالی و سالمندی والدین به شکل تمایزیافته و مستقل در نظر می‌گیرند، همسو نیست. حتی در پژوهش‌ها نیز این ناهمسو بودن به چشم می‌خورد؛ به عنوان مثال طبق دیدگاه تسکین فشار نقش^۱، مرحله آشیانه خالی منجر به افزایش و بهبود بهزیستی والدین می‌شود زیرا حضور فرزندان در منزل با استرس‌های زیادی همراه است، و خروج آنها دغدغه‌های والدین را کاهش می‌دهد (اریکسون و همکاران، ۲۰۱۰). همچنین همسرانی که دیگر فرزندی در منزل ندارند، نقش‌های کمتری را به عهده دارند و این امر منجر به کاهش استرس می‌شود (میچل و ویستر، ۲۰۱۵). به نظر می‌رسد که در خانواده‌های ایرانی، حتی تکالیف تحولی نیز بر مبنای تمایزیافتگی فرزند بزرگسال تجربه نمی‌شوند، و بالعکس، به شکل تلاش برای حمایت از فرزند بزرگسال تمایزنا یافته خود را نشان می‌دهند. بدین معنا که برای حل چالش نگرانی برای آینده فرزندان، و گذار موفقیت‌آمیز از مرحله میانسالی، والدین ایرانی به فراهم کردن شرایط تحصیلی مناسب، شرایط شغلی مناسب، و ازدواج مناسب فرزندان‌شان به عنوان تکالیف تحولی اشاره کرده‌اند. طبق یافته‌های پژوهش حاضر، افراد در میانسالی به بهبود روابط خود با همسرشان و بازیابی این رابطه می‌پردازند. این یافته پژوهشی با یافته‌های دیگر پژوهشی از جمله یافته‌های مربوط به فرهنگ‌های فردگرا نیز همسو است. طبق پژوهش‌ها، به نظر می‌رسد که چون در زمان آشیانه خالی در مقایسه با زمانی که فرزندان در خانه هستند افراد با استرس‌های کمتری مواجه می‌شوند (نظیر محدودیت زمانی، یا تعارضات مربوط به هزینه‌های فرزندان)، این عوامل استرس‌زا تأثیر بسزایی بر کیفیت رابطه زناشویی می‌گذارند (اریکسون و همکاران، ۲۰۱۰). همسرانی که دیگر با فرزندان خود در خانه زندگی نمی‌کنند، نقش‌های کمتری را به عهده دارند، و قادر هستند تا زمان و انرژی خود را بیشتر بر روی رابطه زناشویی‌شان سرمایه‌گذاری کنند (میچل و ویستر، ۲۰۱۵). برای بیشتر زوج‌ها آشیانه خالی، دوره‌ای برای تجدید رابطه به شمار می‌رود و افراد زمان بیشتری دارند که به رابطه اختصاص دهند (نگی و تسیز، ۲۰۱۳). داده‌ها حاکی از آن است که کیفیت رابطه زوجی در طول انتقال به آشیانه خالی افزایش می‌یابد و این افزایش ناشی از افزایش لذت بردن

1 role strain relief

باقری نسامی، م.، سهرابی، م.، ابراهیمی، م.، حیدری فرد، م. ج.، پنج، ج. و گلچین مهر، س. (۱۳۹۲). بررسی رابطه رضایت از زندگی با حمایت اجتماعی و خودکارآمدی در سالمندان ساکن منازل شهرستان ساری در سال ۹۱. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۲۳(۱۰۱)، ۴۷-۳۸.

پارسا، پ.، رضایور شاهکالی، ف.، عراقچیان، م.، افشاری، م. و مرادی، ع. (۱۳۹۶). مشکلات اقدامات درمانی از دیدگاه مراجعان سالمند مراکز بهداشتی درمانی شهر همدان (مطالعه‌ای کیفی). *سالمند*، ۱۲(۲)، ۱۵۵-۱۴۶.

چراغی، م.، مظاهری، م. ع.، موتابی، ف.، پناغی، ل. و صادقی، م. ص. (۱۳۹۴). مقایسه ارتباط با خانواده همسر در زنان و مردان متأهل ایرانی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۱(۱)، ۳۲-۷.

دل‌پیشه، ع.، منصوریان، م.، رستگاری‌مهر، ب.، شکوهی اردبیلی، ش.، بابانژاد، م.، قربانی، م.، شفیعیان، ز. و رضایور، ع. (۱۳۹۳). بررسی وضعیت سلامت و اقتصادی-اجتماعی سالمندان استان ایلام در سال ۱۳۹۰. *دیابت و متابولیسم ایران*، ۱۳(۶)، ۵۰۴-۴۹۵.

روحانی، م.، دهداری، ط.، حسینی‌راد، م. و علایی جنت مکان، م. (۱۳۹۸). بررسی موارد سوء رفتار خانگی با سالمندان در شهر تهران. *سالمند*، ۱۴(۳)، ۳۷۸-۳۶۸.

عسکری، ز.، طحان، م. و آهنگری، ا. (۱۳۹۸). اثربخشی گروه درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر کیفیت زندگی سالمندان مبتلا به سندرم آشیانه خالی. *دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، ۲۶(۵)، ۵۹۱-۵۸۴.

کلدی، ع.، اکبری کامرانی، ا.ج. و فروغان، م. (۱۳۸۳). مسائل و مشکلات جسمانی، اجتماعی و روانی سالمندان منطقه ۱۳ تهران. *رفاه اجتماعی*، ۴(۱۴)، ۲۴۴-۲۲۲.

مهدی‌یار، ف.، خیر، م. و حسینی، م. (۱۳۹۳). مقایسه سندرم آشیانه خالی در والدین قبل و بعد از ترک منزل توسط فرزند(ان). *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۱۵(۴)، ۲۹-۱۷.

واحدی کوچنق، ح.، افشاری، ع.، رضایی ملاحق، ر.، اقبالی، ع. و طایری، ع. (۱۳۹۹). پیش‌بینی رضایت از زندگی سالمندان بر اساس سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت. *روانشناسی پیری*، ۶(۳)، ۲۸۵-۲۹۷.

References

Afshari, A., & Hashemi, Z. (2019). The relationship between religious exposure and psychological well-being with loneliness in the elderly. *Journal of Aging Psychology*, 5(1), 65-75. [Persian]

تمایزیافتگی کامل روانی و مالی فرزندان از والدین، حتی تا پس از ازدواج، چالش‌هایی در مورد رابطه با عروس/داماد در بین افراد میانسال و سالمند رخ می‌دهد که بیشتر مختص به خانواده‌های ایرانی است. در واقع، می‌توان گفت که بخش اعظمی از چالش‌هایی که والدین در دو مرحله آخر چرخه زندگی خانوادگی تجربه می‌کنند، به عدم تمایزیافتگی آنها از فرزندان، و بالعکس باز می‌گردد.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش، اول آنکه، نمونه از سطح شهر تهران بود و ممکن است در فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف در شهرهای دیگری، نتایج متفاوتی حاصل شود. به نظر می‌رسد نحوه تجربه دوران میانسالی و سالمندی یک امر وابسته به فرهنگ است و بررسی خرده‌فرهنگی این مراحل، از اهمیت پژوهشی بالایی برخوردار است. همچنین، در این پژوهش، نقش تفاوت‌های جنسیتی در پاسخ‌دهی افراد لحاظ نشد. در نهایت، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های مشابه، در قومیت‌های مختلف در ایران، و با نگاهی به تفاوت‌های جنسیتی انجام شوند و نتایج آنها با یافته‌های پژوهش حاضر مقایسه شود. به علاوه، پیشنهاد می‌گردد بر اساس یافته‌های این پژوهش، پرسشنامه‌ای کمی طراحی شده و بین یک نمونه بزرگ توزیع شود تا نتایج پژوهش حاضر، قابلیت تعمیم‌دهی به جامعه ایران را داشته باشد. همچنین، نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مشابه می‌تواند در طراحی بسته‌های آموزشی سالمندان (برای افزایش کیفیت رابطه زناشویی و امید به زندگی)، بر اساس چالش‌ها و تکالیف تحولی این دوران، و متناسب با فرهنگ ایرانی، استفاده شود.

سپاس‌گزاری

نگارندگان این مطالعه، از تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش و افرادی که ایشان را در انجام پژوهش حاضر یاری نمودند، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

منابع

ابراهیمی قیه فشلاق، ف.، زاده‌محمدی، ع. و پناغی، ل. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش مبتنی بر روانشناسی وحدت مادر بر احساس تنهایی و اضطراب مرگ زنان در مرحله آشیانه خالی. *روانشناسی پیری*، ۵(۴)، ۲۸۸-۲۷۵.

افشاری، ع. و هاشمی، ز. (۱۳۹۸). رابطه بین مواجهه مذهبی و بهزیستی روان‌شناختی با احساس تنهایی در سالمندان. *روانشناسی پیری*، ۵(۱)، ۷۵-۶۵.

- Askari, Z., Tahan, M., & Ahangari, E. (2019). The effectiveness of group therapy based on acceptance and commitment to quality of life in elderly people with nasal Syndrome. *Sabzevar University of Medical Sciences*, 26(5), 584-591. [Persian]
- Azizi, M., Fooladi, E., Bell, R. J., Elyasi, F., Masoumi, M., & Davis, S. R. (2019). Depressive symptoms and associated factors among Iranian women at midlife: a community-based, cross-sectional study. *Menopause*, 26(10), 1125-1132.
- Bagheri-Nesami, M., Sohrabi, M., Ebrahimi, M.J., Heidari-Fard, J., Yanj, J., & Golchinmehr, S. (2013). The Relationship between Life Satisfaction with Social Support and Self-efficacy in Community-dwelling Elderly in Sari, Iran, 2012. *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*, 23(101), 38-47. [Persian]
- Bouchard, G. (2014). How do parents react when their children leave home? An integrative review. *Journal of Adult Development*, 21(2), 69-79.
- Bougea, A., Despoti, A., & Vasilopoulos, E. (2019). Empty-nest-related psychosocial stress: Conceptual issues, future directions in economic crisis. *Psychiatrike*, 30(4), 329-338.
- Carpenter, L. M., Nathanson, C. A., & Kim, Y. J. (2006). Sex after 40: Gender, ageism, and sexual partnering in midlife. *Journal of Aging Studies*, 20(2), 93-106.
- Carter, B. E., & McGoldrick, M. E. (1988). *The changing family life cycle: A Framework for Family Therapy*. Gardner Press.
- Cheraghi, M., Mazaheri, M. A., Mootabi, F., Panaghi, L., & Sadeghi, M. S. (2015). The Relationship with In-laws Comparison in two Groups of Satisfied and Dissatisfied People of that Relationship. *Journal of Family Research*, 10(4), 451-474. [Persian]
- Dahl, C. M., & Dahl, K. (2013). The Really, Really Empty Nest: Single Parents Launching Only Children. *Word & World*, 33(1), 21-29.
- Datta, P., Poortinga, Y. H., & Marcoen, A. (2003). Parent care by Indian and Belgian caregivers in their roles of daughter/daughter-in-law. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 34(6), 736-749.
- Delpisheh, A., Mansourian, M., Rastgarimehr, B., Shokohi Ardebili, S., Babanejad, M., Qorbani, M., Shafieyan, Z., Rezapoor, A. (2014). The evaluation of health and soci economic statues of elderly people in Ilam province in 2011. *Iranian Journal of Diabetes and Metabolism (Elderly Health Research Center, Special Issue)*, 13(6), 495-504. [Persian]
- Ebrahimi Ghiya Gheshlagh, F., Zadeh Mohammadi, A., Panaghi, L. (2019). Effectiveness of unity oriented psychology based training on loneliness and death anxiety among women at empty nest stage. *Journal of Aging Psychology*, 5(4), 275-288. [Persian]
- Erickson, J. J., Martinengo, G., & Hill, E. J. (2010). Putting work and family experiences in context: Differences by family life stage. *Human Relations*, 63(7), 955-979.
- Glenn, N. D. (1991). The recent trend in marital success in the United States. *Journal of Marriage and the Family*, 53(2), 261-270.
- Gorchoff, S. M., John, O. P., & Helson, R. (2008). Contextualizing change in marital satisfaction during middle age: An 18-year longitudinal study. *Psychological Science*, 19(11), 1194-1200.
- Hahn, E. A., Cichy, K. E., Small, B. J., & Almeida, D. M. (2014). Daily emotional and physical reactivity to stressors among widowed and married older adults. *Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 69(1), 19-28.
- Hiedemann, B., Suhomlinova O., & O'Rand A. M. (1998). Economic independence, economic status, and empty nest in midlife marital disruption. *Journal of Marriage and Family*, 60(2), 219-231.
- Hsiao, Y. L. (2017). Longitudinal changes in marital satisfaction during middle age in Taiwan. *Asian Journal of Social Psychology*, 20(1), 22-32.
- Huang, G., Duan, Y., Guo, F., & Chen, G. (2020). Prevalence and related

- influencing factors of depression symptoms among empty-nest older adults in China. *Archives of Gerontology and Geriatrics*, 91, Article 104183.
- Huang, L.-j., Du, W.-t., Liu, Y.-c., Guo, L.-n., Zhang, J.-j., Qin, M.-m., & Liu, K. (2019). Loneliness, stress, and depressive symptoms among the Chinese rural empty nest elderly: A moderated mediation analysis. *Issues in Mental Health Nursing*, 40(1), 73-78.
- Kaldi, A., Akbari Kamrani, A.A., Foroghan, M. Physical, Social & Mental Problems of Elderly in District 13 of Tehran. (2005). *Refahj*, 4 (14), 233-249. [Persian]
- Li, M., Luo, Y., & Li, P. (2021). Intergenerational Solidarity and Life Satisfaction among Empty-nest Older Adults in Rural China: Does Distance Matter? *Journal of Family Issues*, 42(3), 626-649.
- Li, X.-D., Cao, H.-J., Xie, S.-Y., Li, K.-C., Liu, K.-Y., Tao, F.-B., & Yang, L.-S. (2021). Urban-rural differences in the effect of empty-nest on mental health and behaviors of Chinese older population. *Psychology, Health & Medicine*, 1(26), 1-13.
- Li, X., Xiao, Z., & Xiao, S. (2009). Suicide among the elderly in mainland China. *Psychogeriatrics*, 9(2), 62-66.
- Mackey, R. A., & O'Brien, B. A. (1999). Adaptation in lasting marriages. *Families in Society*, 80(6), 587-596.
- McGoldrick, M., & Carter, E. A. (1982). The family life cycle. Normal family processes. In *Normal Family Processes*. Guilford Press.
- Mitchell, B. A., & Wister, A. V. (2015). Midlife challenge or welcome departure? Cultural and family-related expectations of empty nest transitions. *The International Journal of Aging and Human Development*, 81(4), 260-280.
- Nagy, M. E., & Theiss, J. A. (2013). Applying the relational turbulence model to the empty-nest transition: Sources of relationship change, relational uncertainty, and interference from partners. *Journal of Family Communication*, 13(4), 280-300.
- Papp, L. M. (2018). Topics of marital conflict in the everyday lives of empty nest couples and their implications for conflict resolution. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 17(1), 7-24. Retrieved from [http:// www. Who. int](http://www.Who.int). April 11, 2019.
- Parsa, P., Rezapur-Shahkolai, F., Araghchian, M., Afshari, M., Moradi, A. (2017). Medical procedure problems from the viewpoint of elderly referrals to healthcare centers of Hamedan: a qualitative study.. *Iranian Journal of Ageing*, 12(2), 146-155. [Persian]
- Rohani, M., Dehdari, T., Hosseinyrad, M., Alaei, M., (2019). The Frequency of domestic elder abuse in Tehran city, Iran, in 2018. *Salmand: Iranian Journal of Ageing*, 14 (3), 368-379. [Persian]
- Sadeghu, R. (2009). Population and development in Iran: Dimensions and challenges. *Tehran: National Population Studies & Comprehensive Management Institute*.
- Shen, C., & Chen, T. (2004). A study of the relationship between family life cycle and marital satisfaction. *Social Policy & Social Work*, 8(1), 133-170.
- Sheriff, M., & Weatherall, A. (2009). A feminist discourse analysis of popular-press accounts of postmaternity. *Feminism & Psychology*, 19(1), 89-108.
- Solomon, M. A. (1973). A developmental, conceptual premise for family therapy. *Family Process*, 12(2), 179-188.
- Tufford, L., & Newman, P. (2012). Bracketing in qualitative research. *Qualitative Social Work*, 11(1), 80-96.
- Vahedi Kojanagh, H., Afshari, A., Rezaei Malajagh, R., Eghbali, A. (2020). The Prediction of the elderly's life satisfaction based on health-promoting lifestyle. *Aging Psychology*, 6(3), 285-297. [Persian]
- VanLaningham, J., Johnson, D. R., & Amato, P. (2001). Marital happiness, marital duration, and the U-shaped curve: Evidence from a five-wave panel study. *Social Forces*, 79(4), 1313-1341.
- Wang, G., Hu, M., Xiao, S.-y., & Zhou, L. (2017). Loneliness and depression among rural empty-nest elderly adults in Liuyang, China: a cross-sectional study. *BMJ Open*, 7(10), Article e016091

- Wang, L., Shentu, Q., Xu, B., & Liang, Y. (2020). The prevalence of anxiety on the empty-nest elders in China. *Journal of Health Psychology, 25*(2), 152-160.
- Wang, Z., Shu, D., Dong, B., Luo, L., & Hao, Q. (2013). Anxiety disorders and its risk factors among the Sichuan empty-nest older adults: A cross-sectional study. *Archives of Gerontology and Geriatrics, 56*(2), 298-302.
- Wang, J.-W. (2002). The reason and myth of education fanaticism: a historical review. *Indigenous Psychological Research in Chinese Societies, 17*(1), 3-66.
- Whiteman, S. D., McHale, S. M., & Crouter, A. C. (2007). Longitudinal changes in marital relationships: The role of offspring's pubertal development. *Journal of Marriage and Family, 69*(4), 1005-1020.
- Willig, C. (2007). Reflections on the use of a phenomenological method. *Qualitative Research in Psychology, 4*(3), 209-225.
- Wu, T.-F., Yeh, K.-H., Cross, S. E., Larson, L. M., Wang, Y.-C., & Tsai, Y.-L. (2010). Conflict with mothers-in-law and Taiwanese women's marital satisfaction: The moderating role of husband support. *The Counseling Psychologist, 38*(4), 497-522.
- Van Manen, M. (2017). Phenomenology in its original sense. *Qualitative Health Research, 27*(6), 810-825.
- Yi, C. (1991). Some Findings on Marital Adjustments in the Taipei Metropolitan Area. *Proceedings of the National Science Council: Humanities and Social Sciences, 1*(2), 151-173.
- Zarei, H., Abolfathi Momtaz, Y., Sahaf, R., & Mehdi, M. (2019). Marital Satisfaction Among Older Adults Who Married in Old Age in Sanandaj in 2016. *Iranian Journal of Ageing, 14*(1), 14-25.
- Zhang, H.-H., Jiang, Y.-Y., Rao, W.-W., Zhang, Q.-E., Qin, M.-Z., Ng, C. H., Ungvari, GS., Xiang, Y.-T. (2020). Prevalence of depression among empty-nest elderly in China: a meta-analysis of observational studies. *Frontiers in Psychiatry, 11* (1), 608-621.
- Zhang, Y. (2020). Are Empty-Nest Elders Unhappy? Re-examining chinese empty-nest elders' subjective well-being considering social changes. *Frontiers in Psychology, 11*(1), 885-901.